



ضرورت مبارزه با سرکوبهای طبقاتی گسترش یافته..صفحه ۵	ریاستی یا پارلمانی.....صفحه ۱۳
سوسیالیسم در برابر نظام اسلامی تخلی!.....صفحه ۸	در جنبش جهانی کمونیستی.....صفحه ۱۷
کارگران مهاجر و کشورهای متropول.....صفحه ۹	تشنج آفرینی جدید و موضع کمونیستها.....صفحه ۱۷
بهارام راد.....صفحه ۱۱	سلاح های الکترومغناطیسی روسیه می تواند
لنین : بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیسم -.....صفحه ۱۲	"کارآمد تر از سلاح های هسته ای" باشد...صفحه ۱۷
سکتاریسم بیماری مزمن جنبش کمونیستی.....صفحه ۱۴	

به مناسبت درگذشت محمد جراحی کارگر مبارز کمونیست

هر شب ستاره ای به زمین می کشند و باز این آسمان غم زده غرق ستاره است رژیم ددمنش اسلامی نوکر نظام سرمایه داری، از تجاوز به حقوق و آزادی بیش از ۸۰ درصد نواده های کارگر و زحمت کش حقایق روز دست برنداشته و کارگران مبارزی یک روز دست ایجاد حزب سیاسی پیشو ای و کمونیست هدایت را که در دفاع از حقوق پایمال شده بیش از ۱۵ میلیون کارگر دست به اعتراض و حتا ایجاد سندیکای کارگری بزنند، دستگیر، شکنجه، و زندان محکوم می کند. در زندانهای فاشیستی این رژیم دراثر شکنجه، کارگرانی جان می بازند و یا دچار چنان امراض کشنده ای بقیه در صفحه چهارم

در گذشت جلال طالباني

جلال طالباني یکی از رهبران جنبش ملی دموکراتیک در کردستان عراق که کردها او را مام (عمو) جلال خطاب می کنند، در گذشت. او یکی از تاثیرگذارترین رهبرانی است که در چند دهه گذشته و بویژه بعد از شکست جنبش کردستان با همکاری آمریکا، شاه و ملا مصطفی بارزانی در سال ۱۹۷۵ میلادی و بعد از قرارداد الجزیره بین شاه و صدام حسین در جنبش خلق کرد خود را نشان داد. او که عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری ملا مصطفی بارزانی بود، بعد از تسليم بازارانی و شکست این جنبش به آن تن در نداد و با سازماندهی مجددجنبش خلق کرد توسط سازمانی به نام اتحادیه میهنی کردستان که خود بوجود آورده بود، به ادامه آن خدمات شایانی کرد: دفاع از جنبش اقلایی در هندوچین، دفاع از مبارزات رهائی بخش خلق فلسطین، مناسبات دوستانه با نیروهای چپ و بقیه در صفحه پنجم

درسهای صدمین سالگرد انقلاب اکتبر ۱۹۷۱، زنده و آموزنده اند:

(۱)- بدون مسلح شدن به تئوری انقلابی کمونیسم علمی و تلفیق آن با شرایط مشخص انقلاب در هر کشور، در مورد کسب قدرت سیاسی براساس دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا و دموکراسی شورائی، تغییر در هر کشور و جهان ممکن است که بر مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و مبادله و تبیل آن به مالکیت عمومی به سوی تعمیق سوسیالیسم ممکن نیست. در آن زمان رهنمودهای مارکسیسم، روشی بخش مبارزه طبقاتی طبقه کارگر جهان و روسیه بود که با تغییرات عینی بوجود آمده توسط لنین در جمععبدی تکامل این تئوری در روی ضرورت بقیه در صفحه دوم شرایط جدید صورت گرفت؛

آموزه هایی از دو انقلاب بزرگ و پیروزمند در عصر امپریالیسم

- در تاریخ مدرن جهان بویژه در ۲۳۰ سال گذشته انقلابات و دگر دیسی های متعددی در اکناف جهان بوقوع پیوسته اند که هر یکی بنوعی در زندگی جوامع بشری تاثیرگذار بوده اند. ولی از بین این انقلابات به قول اکثریت عظیمی از مورخین، سه انقلاب (انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و انقلاب چین در ۱۹۴۹) بیشتر از دیگر انقلابات و دگر دیسی ها در زندگی بشر تاثیرگذار و دارای ارزش های جهانشمول بوده اند. از میان این سه انقلاب بزرگ، دو انقلاب اکتبر روسیه و انقلاب چین در قرن بیست در کشورهای دربند پیرامونی جنوب و در بحبوحه فراز امپریالیسم در عصر و مرحله سرمایه داری انحصاری، به وقوع پیوسته اند. در این نوشتار کوتاه به بررسی چندین آموزه تاریخی پیرامون این دو انقلاب، می پردازیم.

چاره رنجران وحدت و تشکیلات است!



پیش نبردن مبارزه ایدئولوژیکی اصولی با نظرات انحرافی براساس تصمیمات متکی بر مرکزیت - دموکراتیک در طرد این یا آن دیدگاه انحرافی، و یا درمورد کم رنگ نشان دادن نقش طبقه کارگر در انقلاب سوسیالیستی و ادامه انقلاب تا به آخر با توجیه رشد وسائل تولید پیشرفت و از دور خارج شدن بیشتر نقش مولد نیروهای کارگر ضروری است. و بالاخره یافتن پیوند فشرده با مبارزات کارگری و توده ای و تهیه ای مانیفست حزب کمونیست امروزی در انقلاب اکبر است.

از آموزش‌های انقلاب کبیر اکبر بیاموزیم از مبارزات و پیروزیهای بعد از انقلاب اکبر در جهان امروز و شکستها

جمعندی کنیم

زنده باد اتحاد کارگران کشورهای جهان و انتربنیونالیسم پرولتری پیش به سوی ایجاد احزاب کمونیست در

پرتو کمونیسم علمی در هرکشور حزب رنجبران ایران اول ماه مه ۲۰۱۷

کنترل کارگری، کمک تعیین کننده ای به ایجاد انتربنیونال کمونیستی اول (۱۹۱۹) با شرکت احزاب کمونیست فراهم نمود و شوروی به پایگاه انقلابی کارگری جهان تبدیل شد؛^۸

(۸)- باطراح اتحاد انقلابی کارگران و دهقانان

را در هدایت انقلاب بورژوا - دموکراتیک

تحت رهبری طبقه کارگرجهت به پایان

رساندن وظایف دموکراتیک مرحله‌ی این

انقلاب، گذار به انقلاب سوسیالیستی را به انجام برساند؛

(۹)- مبارزه با خرابکاری خرد بورژوائی

و بورژوائی داخلی و مداخلات کشورهای

امپریالیستی چه قبل و چه بعد از پیروزی

انقلاب اکبر در به شکست کشاندن ادامه

انقلاب کارگری پیروز و ساختمان سوسیالیسم

شدت گرفت. وقتی که این نیروهای

ارتجاعی در مخالفتهای آشکار ناکام مانند،

سیاست محیلانه و خطرناک "فتح دژ دولت

سوسیالیستی و احزاب کمونیست از درون"

را شروع کردند که اخلاق تروتسکیسم در

دو دهه های اول و دوم پس از انقلاب اکبر

صدمات شدیدی به پیروزی انقلاب زد که

مقمه‌ی این ضدیت تخریب سوسیالیسم بود؛

(۱۰)- ناشی از شناخت عمیق از طبقات و

مبرازات طبقاتی، اتخاذ سیاست و تاکتیکهای

ماتریالیستی - دیالکتیکی هوشمندانه و

انعطاف پذیر و بدون سازشکاری هنر

بزرگ لینین در پیروزی انقلاب اکبر بود

که مائو تسه دون نیز با بیان اینکه "سیاست

و تاکتیک حیات حزب است، رفقاء رهبری

در درجات مختلف باید بدان توجه فراوان

مبتدل دارند و در اجرای آن نباید به هیچ

وجه اعمال بی مبالغی از خود نشان دهند"

انعکاس حركت پیروز جنبش کارگری در

روسیه تحت رهبری لینین کبیر نیز بود که

مورد تایید این استراتژی بزرگ پرولتری

قرارگرفت که دومن انقلاب بزرگ کارگری

دموکراتیک نوین را (در اکبر ۱۹۴۹) در

چین به ثمر رساند؛

(۱۱)- آموزش‌های فراوانی از پیش رویها و عقب

نشینیها در جریان تحقق اهداف انقلاب اکبر

و بعد از برقراری دیکتاتوری پرولتاریا،

و کنترل کارگری و غیره ارزشمندند که

در این محدوده مجالی نیست. مع الوصف

امروز قبل و بعد از انقلاب اکبر اثبات شد

که بدون مبارزه با رویزیونیسم در مراحل

مختلف کهن، مدرن و پست مدرن که در

حمله به کمونیسم علمی تبلور یافته اند و از

جمله بدون مبارزه قاطع با فرقه‌ی گرائی خرده

بورژوائی و از جمله در دوره کنونی ایجاد

چندین "حزب کمونیست دریک کشور"،

درسه‌های صدمین سالگرد ...

بقیه از صفحه اول

ترجمه و اتخاذ تاکتیکها و استراتژیهای دقیق عمیقاً الهام گرفته از اوضاع عینی این خواستها و لذا به کار گرفتن ماتریالیسم دیالکتیکی در برخورد به بررسی و پیشنهاد هر سیاستی در پیش روی مبارزه طبقاتی کارگران، صحبت این ارزیابیها را در مبارزات خود نشان دادند؛

(۴)- مبارزه با پاسیویسم در درک متحجرانه و پاسیو بروز انقلاب صرفاً در کشورهای پیش رفت سرمایه داری به بهانه‌ی نظر مارکس و انگلیس بودن، در حالی که با گذار نظام سرمایه داری از مرحله‌ی رقابت آزاد به مرحله‌ی رقابت انحصارات، به وجود آمدن رشد ناموزون نظام سرمایه داری و حلقه‌های ضعیف زنجیر اسارت امپریالیستی، امکان پیروزی انقلابات تحت رهبری حزب کمونیست طبقه کارگر و پسیج توده‌های وسیع رحمت کش در دیگر کشورها فراهم شده است در تحلیل مشخص از شرایط مشخص آن زمان روییه بود که پیروزی عظیمی برای جنبش جهانی طبقه کارگر به همراه داشت.

(۵)- مبارزه با نظرات انحرافی رویزیونیستی در قالب رفرمیست، اکونومیست، شوونیستی، اپورتونیستی راست و چپ، انحلال طلبانه‌ی فرقه‌ی گرائی و شیوه تفکر سوبرکتیویستی، لیبرالیستی، سکتاریستی و دگماتیستی در برابر "کارگران همه کشورهای جهان متحداشود!"، "کارگران و ملل ستمندیه کشورها متحداشود!" توسط احزاب سوسیال دموکرات با شیوه تفکر خرد بورژوائی و بورژوائی قرارگرفتند، و میدان جدید مبارزات نظری را در دفاع قاطع علیه انحرافات صدپرولتری بدون مماشات گشود؛

(۶)- پیوند فشرده حزب کمونیست را در هرکشور با طبقه کارگر و توده‌های وسیع مردم از طریق شرکت در مبارزات کارگری و توده‌ای و "آموزش از خود ها و آموزش به توده‌ها" به مثابه پیوند "ماهی در آب اقیانوسها" و بی هراس از مرگ و از زندان چنان نیروی محکم و استوار و پیگیری را به وجود آورد که انقلاب پرولتری را به پیروزی و کسب قدرت قهرآمیز رهمنون شد و نه تبدیل شدن به ارباب آن؛

(۷)- پیروزی این انقلاب شکاف مهمی را در جهان علیرغم حاکمیت امپریالیسم جهانخوار ایجاد نمود که نه تنها در کشورها نظام سوسیالیستی را تحت دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا، دموکراسی سورائی،

با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکراین نکته را ضروری می‌دانیم که تکیه‌ی حزب به اعضاء و توده‌ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشنی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده‌ها

به یاد همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم



دست به صنعتی سازی سریع و آمادگی تسليحاتی در دوره ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳ زد.

- بدون تردید این تصمیم در آن دوره (که هزینه سنگینی را برای آینده انقلاب به بار آورد) رابطه نزدیک با عروج و گسترش فاشیسم هیتلری در آلمان داشت. امروز بعد از گشت نزدیک به ۸۰ سال از آن دوره برای خیلی از مورخین تاریخ معاصر بیش از پیش روشن گشته است که استالین و یارانش به حق راه دیگری بجز پرداخت این هزینه سنگین پیش روی خود نداشتند. هزینه سنگینی که به خاطر صنعتی سازی سریع و اجرای سیاست های تاسیس مزارع دسته جمعی (کلخوزها و سوخوزها) از سوی حزب کمونیست شوروی به تلاشی اتحاد بین کارگران و دهقانان که پایگاه اصلی انقلاب سوسیالیستی بود، منجر گردید. به نظر این نگارنده نیز اگر در آن دوره استالین و دیگر رهبران دولت شوروی حاضر به پرداخت این هزینه سنگین نمی شدند و خود را از نظر نظامی مسلح نمی کردند بدون تردید تهاجم وحمله قهار و درنه خوی ارتش آلمان فاشیستی به شوروی در ۱۹۴۱ نه تنها آن کشور را به عنوان یک نظام بدیل در مقابل نظام جهانی سرمایه تضعیف می نمود بلکه آنرا حتی به عنوان یک چالشگر ضد نظام نیز به کلی منهدم می ساخت. ولی تاریخ نشان می دهد که پیروزی شوروی در نبرد استالینگراد نه تنها آغاز فرود و شکست آلمان هیتلری و دیگر نیروهای متعدد فاشیست (ایتالیای موسولینی ، ژاپن هیروهیتو و) در جهان گشت بلکه منجر به بقای ابرقدرت ضد نظام جهانی سرمایه در نیمه دوم قرن بیست تا ۱۹۵۶ در صحنه بین المللی گشته و طبیعتاً آن کشور را به یکی از حامیان اصلی امواج خروشان جنبش های رهائی بخش کشورهای دربند پیرامونی (جنوب) تبدیل کرد .

آموزه های تاریخی از انقلاب ۱۹۴۹ چین

- انقلاب چین سی و دو سال بعد از انقلاب بشویکی روسیه به وقوع پیوست. مائو ، چوئن لای ، چوتھه و ... درس های زیاد و گرانبهائی چه در زمینه های دستاوردها و چه در زمینه های کمبودها و محدودیت ها از انقلاب اکتر روسیه و رهبران آن بویژه از لینین (و بوخارین) ، آموخته بودند که استفاده از آنها در پیروزی انقلاب چین سهم و نقش بزرگ داشت. انقلاب بشویکی در ۱۹۱۷ در کشوری به وقوع پیوست که در « حلقه ضعیف » امپریالیسم در بخش نیمه پیرامونی نظام سرمایه داری قرار

یافته اروپا بلکه با کشورهای مشرق زمین آسیا) از طریق برنامه « نپ » (سیاست نوین اقتصادی) در سال ۱۹۲۱ پیاده شد. تضعیف - علیرغم این مصالحه دولبه بشویک ها آگاه به این امر نیز بودند که قدرت های امپریالیستی هرگز انقلاب و حتی سیاست نپ را نیز پذیرا نخواهند گشت. تاریخ دوره های بین دو جنگ (۱۹۳۹ - ۱۹۴۷) و جنگ سرد (۱۹۹۰ - ۱۹۹۱) حقایق و درستی این آگاهی را نشان داد که امپریالیست ها هرگزار اندیشه و آرزوی سرنگونی کشور شوراها دست برخواهند داشت. این درست است که اتحاد جماهیر شوروی علیرغم آرمان و خواست و تقاضای بشویک ها در آن دوران توانست در مقابل نظام سرمایه داری انصاری (امپریالیسم) به یک بدیل تاریخی ، تبدیل گردد و بالاخره پس از حاکمیت رویزیونیستهای مدرن در قدرت از ۱۹۵۶در آغاز دهه ۱۹۹۰ شوروی با فروپاشی و تجزیه روپرتو گشت. ولی شوروی در آن دوران ۱۹۱۷-۱۹۵۶ توانست به طور موثری خود را از بوغ وابستگی به نظام جهانی سرمایه نجات داده و برای اولین بار در تاریخ سرمایه داری به عنوان یک چالشگر ضد نظام (به موازات حمایت بی دریغ از جنبش های رهائی بخش ملی در سه قاره) در صحنه بین المللی ، مطرح گردد .

- به هر رو در آن دوران که شوروی جوان موفق به گستاخ از محور نظام جهانی گشت چگونه می توانست به بقای خود ادامه داده و مسیر راه را برای استقرار سوسیالیسم میسر سازد؟ تلاش در جهت گسترش همزیستی مسالمت آمیز و حتی دادن امتیاز به کشورهای مغرب زمین در صورت لزوم ، در طول دهه ۱۹۲۰ یکی از ارکان های سیاست خارجی شوروی (نپ) را تشکیلداد. اما در عین حال رهبران شوروی به ضرورت این امر که باید خود را در مقابل تهاجم و حملات امپریالیست ها در آینده آماده سازند ، کاملاً واقف بودند. لازمه آمادگی تسليحاتی همانا صنعتی سازی سریع کشور شوراها بود. حرکت در آن جهت به نوبه خود شوروی جوان را در تلاقي با منافع دهقانان که به شکرانه انقلاب در نیمه اول دهه ۱۹۲۰ صاحب زمین شده بودند ، انداخت. رهبران دولت شوروی کاملاً بر این امر واقف بودند که تلاقي و تضاد با دهقانان به تضعیف و نابودی وحدت بین کارگران و دهقانان که پایگاه اساسی دولت انقلابی محسوب می شد ، منجر خواهد گشت. به هر حال بعد از مدت‌ها مشورت و بررسی استالین

آموزه های ... بقیه از صفحه اول های جاری در انترناسيونال دوم ، خوانانی نداشتند. بطور مثال ، لینین و بوخارین بیش از هابسون و هیلفردنگ در تحلیل های خود از بروز مرحله سرمایه داری انصاری (امپریالیسم) روی این امر تاکید ورزیدند و قوع جنگ امپریالیستی ۱۹۱۸-۱۹۱۴ بین کشورهای مسلط مرکز سرمایه داری بر سر تاراج و تقسیم کشورهای دربند پیرامونی و نیمه پیرامونی « مشرق زمین » شرایط وقوع انقلاب در آن کشورها را نه تنها ضروری و حتمی بلکه ممکن و حتی محتمل ساخته است.

- تمام اسناد و آثار منتخبی که از لینین و بوخارین و دیگر بشویک های طرفدار آنها امروز در دسترس ماست ، نشان می دهد که به عقیده آنها سرمایه داری تاریخی همیشه در حرکت جهانی گرانی (گلوبالیزاسیون) خود روی خط تاراج و چپاول و لاجرم ایجاد قطب سازی (پولا ریزاسیون) بین مرکزهای مسلط « مغرب زمین » (به واژه کنونی شمال) و کشورهای دربند پیرامونی و نیمه پیرامونی مشرق زمین (به واژه کنونی جنوب) بودند.

- براساس این دیدگاه جهانشمول وقتی که سه سال بعد از پیروزی انقلاب اکتر لینین و یارانش متوجه شدند که جنبش های کارگری در اروپای مغرب زمین بویژه در آلمان با شکست روپرتو گشتند ، بیش از پیش به این حقیقت پی برندند که پولا ریزاسیون منبع از عروج دوره سرمایه داری انصاری (امپریالیسم) و نتیجتاً تاراج و استثمار کشورهای مشرق زمین در شکست جنبش های انقلابی کارگری در مغرب زمین نقش اساسی داشته و از سوی دیگر شرایط را برای جا به جائی (شیفت) پایگاه های انقلاب از غرب توسعه یافته و صنعتی به شرق توسعه نیافته غیر صنعتی مهیا ساخته است .

- در پرتو این دانش از اوضاع جهان ، لینین و یارانش در بحبوجه دوره « کمونیسم جنگی » در کشور شوراها (۱۹۲۱ - ۱۹۱۷) به این نتیجه رسیدند که انقلاب سوسیالیستی زمانی به پیروزی می رسد که آنها از یک سو دست به انقلاب دهقانی در شوروی جوان زده و از سوی دیگر به حمایت و اعلام همبستگی با امواج خروشان جنبش های رهائی بخش در کشورهای مشرق زمین ، برخیزند. این سیاست دولبه (مصالحه در بازار در جهت پذیرش مالکیت دهقانان بر زمین های کشاورزی به موازات تجدید تجارت نه تنها با کشورهای توسعه



اقتصاد سیاسی» شماره ۱، آوریل ۲۰۱۲ .
۴- «مصالحه با سمیرامین درباره «چشم انداز سوسیالیستی در قرن بیست و یکم» ، در مجله «فرزندان ملکوم» ، ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۵

محمد جراحی ... بقیه از صفحه اول

بدون مدواوا در زندانها می شوند که پس از اتمام دوران محکومیتشان در صورت آزاد شدن در اثر این امراض جان می بازند که محمد جراحی این کارگر مبارز کمونیست پس از آزادی از زندان با بستری شدن در بیمارستان در ۱۳ مهر امسال درگذشت، از آن جمله است
در دفاع از آزادی بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و به ویژه کارگران، معلمان، زنان، و دانشجویان فعالیتهای متعددی در کشورهای مختلف جهان از جمله برای آزادی کارگران زندانی اخیر در حال اعتصاب غذا صورت گرفت. بعداز ۵۰ روز اعتصاب غذای رضا شهابی که همراه با ۲۰ کارگر دیگر آغاز شده بود، فتنه گران رژیم مجبور به ملاقات با او جهت رسیدگی به آزادی اش شدند. در آن دیدار، این کذابان تاریخ، قولهای بی پایه دادند و لی رضا به دلیل شناخت ماهیت دودوزه باز ماموران حاکمان، ضمن شکستن اعتصاب غذا تاکید نمود که اگر به خواسته هایم رسیدگی نشود مجددا دست به اعتصاب غذا خواهم زد. طبق آخرین خبرها در چند روز اخیر اقدامی به آزادی وی صورت نگرفته است.

با توجه به این ظلم و ستمی که به کارگران و زحمت کشان بی وقه صورت می گیرد و با توجه به این که خواست دفاع از این استثمارشونده گان و ستم دیده گان تفاوت هزار گونه نداشته و نیاز به صدای واحد اعتراضی هست، چقدر دوراز درک مادی واحد از حرکت متحد و یکپارچه توسط نیروهای کمونیست می باشد که این حرکت به صورت جدگانه اینجا و آنجا پیش برده می شود که مغایر با دفاع از حقوق حقه کارگران و زحمت کشان می باشد.

اگر احترام به عملکرد جانباخته ای نظری شاهرخ زمانی باشد، کافی است ببینیم که در زندان علیرغم امکانات ناچیز در ارسال نظراتش به بیرون، نوشته هائی را با امضاء خود همراه با محمد جراحی، رضا شهابی و

و روشنتری به ما آموختند که برخلاف دانش و انگاشت اکثر رهبران انترناسیونال دوم پدیده سرمایه داری از آغاز شکلگیری و رشدش یک نظام متمایل به جهانی گرانی (گلوبالیزاسیون) بوده و مارکسیست ها باید پی آمدهای این تمایل را مورد بررسی و تحلیل دقیق قرار دهند: تمایلی که از آغازش قرن ۲۰ ما را از طریق پولاریزاسیون عمودی و افقی به کشورهای دریند پیرامونی و کشورهای مسلط مرکز تقسیم کرده و امروز این پیامد گلوبالیزاسیون (یعنی پولاریزاسیون) در سرتاسر کره خاکی به حد اشباع رسیده است.
- لنین و یارانش و سپس مائو و تعداد دیگر از مارکسیست های آسیا نه تنها حرکت سرمایه در سطح جهانی را به نحو منسجم و دقیقی مورد بررسی قرار دادند بلکه بطور بارزی به تحلیل این امر پرداختند که امپریالیسم منبعث از این حرکت جهانی سرمایه بویژه در عصر سرمایه داری انحصاری جهان ما را به دو بخش مکمل و لازم و ملزم هم(پیرامونی دربند و مسلط مرکز) تقسیم کرده است.
- توضیح اینکه توسعه یافتنگی پیشرفت و انباست ثروت و سرمایه در کشورهای مسلط مرکز نظام (امپریالیسم سه سره = کشورهای جی ۷) وابستگی ارگانیک و لازم و ملزم با توسعه نیافتنگی و عقب ماندگی کشورهای پیرامونی دربند (منبعث از تاراج منابع طبیعی و اعمال سیاست های ابر استثماری بر نیروهای کار و زحمت آن کشورها) از سوی امپریالیسم جهانی دارند. با تضعیف و نابودی یک بخش عمر آن دیگری نیز به پایان خود می رسد.

- در بخش دوم این نوشتار به بررسی و تحلیل دیگر آموزه های تاریخی از دو انقلاب بزرگ در عصر امپریالیسم خواهیم پرداخت.

ناظمی مهرماه ۱۳۹۶

منابع و مأخذ

- ۱- خفری رابرتس ، « جنگ های استالین : از جنگ جهانی تا جنگ سرد ، ۱۹۳۹ - ۱۹۵۳ » ، از انتشارات دانشگاه بیل ، ۲۰۰۷ .
- ۲- درباره انگاشت و درک بورو سنتریکی اکثر اعصابی انترناسیونال دوم در باره مسئله ارضی و نقش دهقانان در انقلاب ، رجوع کنید به : کارل کانوتسکی ، « مسئله دهقانی » ، در دو جلد از انتشارات پلتو در لندن ، ۱۹۸۸ .
- ۳- درباره انگاشت و درک مائو و دیگر مائوئیست ها درباره مسئله ارضی و نقش تعیین کننده دهقانان در پیروزی انقلاب، رجوع کنید به : سمیرامین ، « چین در ۲۰۱۳ » ، در مجله « مانتنی ریپوو »، سال ۶۴ ، شماره ۱۰ ، مارس ۲۰۱۳ و « امپریالیسم معاصر و مسئله ارضی - دهقانی » ، در مجله « ژورنال

داشت. ولی انقلاب ۱۹۴۹ چین در کشوری به وقوع پیوست که در « مناطق توفانی » نظام جهانی (در بخش در بند پیرامونی = مشرق زمین نظام جهانی) ، قرار داشت. دقیقاً به خاطر نیمه پیرامونی بودن روسیه و پیرامونی بودن چین رهبران انقلاب روسیه و چین با چالش ها و مسائل مشترک و همگونی روپرتو گشتند که هنوز هم چالشگران ضد نظام جهانی سرمایه با آنها روپرتو هستند. تعدادی از این معضلات عبارتند از :

۱- وقوع انقلاب پیروزمند نه در کشوری سرمایه داری توسعه یافته صنعتی بلکه در کشوری نیمه پیرامونی روسیه و سپس در کشور پیرامونی چین ،

۲- ضرورت شرکت وسیع دهقانان در این دگردیسی انقلابی .

۳- دشمنی و تهاجم نیروهای امپریالیستی کشورهای مسلط مرکز نظام علیه این انقلابات

مائو با درس آموزی از دستاوردها و کمبودهای انقلاب اکثر قادر گشت که به روشی تشخیص دهد که انقلاب در کشور توسعه نیافر نیمه پیرامونی مثل چین یک انقلاب ضد امپریالیستی و دهقان محور (ضد فوئدالی) بر هیری طبقه کارگر است. انقلاب چین طبق نوشته های مائو یک انقلاب نه « بورژوا - دموکراتیک » بلکه دموکراتیک توده ای بود. بر این اساس تعییه و تنظیم ادامه و نامین اتحاد استراتژیکی بین کارگران و دهقانان برای باروری انقلاب سوسیالیستی در آینده نه تنها ممکن بلکه لازم و ضروری است. این تفاوت بطور قابل ملاحظه ای هنوز هم مهم است. رهبران چین اهمیت این امر را بخوبی درک کردن که ادامه اتحاد بین کارگران و دهقانان برای مدتی های مدد بعد از پیروزی انقلاب ضروری خواهد بود.

به این علت چین قادر گشت که از اشتباہ کشور شوراهای پرهیز کرده و به عوض ایجاد کولخوز ها و سوخوز ها راه و روش دیگری را انتخاب کند: تبدیل کلیه اراضی و مزارع کشاورزی از مالکیت خصوصی و گروهی به مالکیت کمونی و دادن حق دسترسی برابر به تمام دهقانان در کشت و زرع اراضی با تشکیل خانوارهای کشاورزی.

نتیجه اینکه

- ۱- ما با درس آموزی از آموزه های غنی و مثبت مارکسیسم تاریخی از یک سو و از اشتباهات و کمبودهای آن از سوی دیگر می توانیم در دگردیسی کیفی جهان نقش ارزنده تر و موثری ایفاء کنیم. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ تا حدی و انقلاب ۱۹۴۹ چین به نحو بارزتر

ضرورت مبارزه با سرکوبهای طبقاتی گسترش یافته

علاوه بر استثمار و ستم بیش از ۲۰ میلیون شاغلین تولیدی، خدماتی و فکری کارگر و زحمت کش، دو بخش از تودهای ماردم که شامل زنان تحت سرکوب ناشی از سلطهٔ مردسالاری و مذهب می‌باشند و بیش از ۱۵ میلیون از کودکان در حال تحصیل و بیش از ۲ میلیون کودکان کار در نظام سرمایه داری حاکم در ایران محروم از تحصیل، با خشن ترین برخوردی روبه رو هستند که زنده‌گی این دو بخش از جامعه‌ی ایران با فجایعی روبه رو می‌شوند که بربریت‌های تاریخی تا بدین حد صورت نگرفته بودند.

در مرور دانش آموزان: امسال بیش از ۱۷ میلیون درسنین تحصیلی دبیرستانها شروع به تحصیل کردند. اینان به مدارسی می‌روند که حداقل ۲۰٪ این مدارس در وضعیت کلنگی قرار دارند یا از امنیت ساختمانی برخور نیستند، از امنیت گرم کردن کلاسهای درس با بخاریهای نفتی نمی‌توان سخن گفت، امنیتی برای تدریس معلمان و بیان آزاد نظراتشان وجود ندارد، لوازم نوشت افزار و کتابهای درسی مجانی در اختیار کودکان قرار نمی‌گیرند، محیط خفچانی مدارس در مداخله‌ی مذهب، شادی بخش و جذاب نبودن تربیت متعالی کودکان، از تحصیل مجانية که به عهده‌ی نظام آموزش و پرورش ایران باید باشد، خبری نیست. ولی این مدارس به بازداشتگاههای رژیم جمهوری اسلامی مبدل شده‌اند.

در شرایطی که مزد کارگران را به پائین تر از ۴ برابر حداقل زنده‌گی رسانده‌اند، خانواده‌های دانش آموزان که متعلق به کارگران و زحمت کشان هستند، عمدتاً قادر به تأمین مخارج مدارس کودکان نبوده و اوضاع به حدی بحرانی است که حتاً فعالان صنفی فروش پوشک و لوازم افزار دانش آموزان از جمله موسی فرزانیان دبیر اتحادیه فروشنده‌گان نوشت ابزار به اینا - خبرگزاری کار ایران در تهران - فروش کم تر ۳۰-۳۵٪ را نسبت به سال قبل داشته‌اند و در عین حال رئیس اتحادیه کتاب‌فروشان، لوازم تحریر و لوازم مهندسی استان مرکزی از افزایش حداقل ۱۳ درصدی قیمت نوشت افزار خبر داده که به قول معروف "سنگ را بسته و سگان را برای حمله آزاد گذاشته‌اند". حداقل هزینه خرید لوازم تحریر برای یک دانش‌آموز در سال تحصیلی ۹۶-

بارزانی در آمده بود تیپاران شد. و در جریان شرکت رفاقتی از سازمان انقلابی به منطقه سلیمانیه با کمک نیروهای پیشمرگ جلال طلبانی که متسافنه چند نفر در منطقه‌ای که نیروهای بارزانی کمین گذاری کرده بودند به خاطر حفظ رفاقتی ما جان باختند. مام جلال یکی از دوستان حزب ما بود و از پذیرش نیروهای چپ ایران نیز در کردستان عراق در شرایط سرکوب احزاب و سازمانهای چپ توسط رژیم اسلامی در ایران در دهه ۱۳۹۶ هجری از حمایت این نیروها دریغ نکرد که بسیار با ارزش بود. امید حزب ما برآن بود که دوستی استواری بین مبارزان کرد عراق با جنبش کارگری ایران در ادامه همکاری بوجود بیاوریم.

در عین حال حزب ما در جریان سازماندهی حمله وسیع نیروهای اتحادیه میهنی به ارتش ارتجاعی صدام حسین که موقتاً امکان ورود سپاه پاسداران به کردستان عراق برای جنگ با ارتش عراق را فراهم نمود، تایید نکرد. پس از حمله امریکا به عراق و بوجود آوردن جبهه ای با نیروهای ارتجاعی در تشکیل دولت جدید عراق مسیر دیگر غیر دموکراتیکی در این کشور طی شد که مورد مخالفت صریع ما و توضیح آن به مام جلال بود. ولی حزب رنجبران ایران از قیام نیروهای پیشمرگ در بیرون راندن نیروهای رژیم بعثی عراق از کردستان عراق در ۱۹۹۰ حمایت و آنرا به اتحادیه میهنی تیریک گفت با تمام این احوال او سعی کرد که در کنار مردم کرد به عنوان یک روشنگر مبارز و آزادیخواه در دفاع از خواست حق تعیین

سنونوشت خلق کرد طی مبارزه ای طولانی در کردستان عراق پایدار باقی بماند. در این راستا علیرغم اختلافاتی که با نیروهای قبیله‌ای و بورژوائی کردستان عراق داشت همکاری اش را با این نیروها ادامه داد و نتوانست نقش تعیین کننده‌ای در کسب حق تعیین سنونوشت کارگران و زحمت کشان و طرد نیروهای ارتجاعی کرد داشته باشد. یادش گرامی باد.

ما در گذشت مام جلال را به خانواده، اتحادیه میهنی کردستان عراق و سایر همکاران و دوستداران او تسلیت می‌گوئیم.

حزب رنجبران ایران
۵ اکتبر ۲۰۱۷
۲۰۱۷/۱۰/۴

دیگر زندانیان تهیه کرده و فردگرانی را به کار نمی‌گرفت. بنابراین اگر نیروهای ادعای کمونیست بودن و احترام گذاشتن به کارگران مبارز کمونیست داشته باشد، در این است که فرقه گرانی را با نفرت بیرون انداخته و در خدمت به امر انقلاب کارگری در هر کجا که باشند متحد و یک صدا عمل کنند تا نشان دهند که به دیدگاه کمونیستی وفادارند.

حزب رنجبران ایران در گذشت محمدجراحی را به کارگران مبارز ایران، خانواده محمد تساییت گفته و کلیه کارگران ایران را فرا می‌خواند، تا علیه رژیم جمهوری اسلامی به مثابه بزرگترین دشمن طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و عاملین کشتار و فقر و فاقه خانواده‌های کارگری متحد و یکپارچه شوند تا از بین بردن این دستگاه ظالم فاسد و دزد ثمره نیروی کار و قاتل باز شناخته، تا جهان سوسیالیستی فارغ از از خود بیگانگی و رسیدن به آزادی، بهروزی و عدالت اجتماعی را متحقق سازند.

گرامی بادیاد کارگران مبارز جنبش ایران آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی مشکل شدن کارگران و زحمت کشان در سطوح مختلف واحد مطالباتی و سیاسی کارگران مشکل همه چیز و کارگران غیر مشکل هیچ هستند

**زنده باد آزادی و رفاه در سوسیالیسم حزب رنجبران ایران
۱۳۹۶ مهر ۱۵
۷ اکتبر ۲۰۱۷**



در گذشت جلال طلبانی..
بقیه از صفحه اول

کمونیست در ایران و عراق، کمک به ایجاد کومه له رنجبران کردستان عراق، افسای رابطه نیروهای ملام مصطفی بارزانی با دولت اسرائیل از جمله خدمتی بود که ضمن پایدار ماندن در رهبری جنبش دمکراتیک کردستان عراق از او رهبری با تجربه و در عرصه‌ی تاکتیکی شناخته شد. سازمان انقلابی تشکیل دهنده‌ی حزب رنجبران با کمک بی شایبه مام جلال با جنبش کردستان ایران با مبارزه مسلحانه‌ی ملا آواره، شریف زاده، معینی‌ها پیوند برقرار نموده و در همان سالها نیز باشرکت در مبارزه مسلحانه‌ی علیه نیروهای بارزانی در منطقه‌ی هاوکاری، رفیق دستگیر شده ما (بشیر خسروی) به محاصره نیروهای





چند نفر از همکاران ما مورد ضرب و شتم ماموران شهرداری قرار گرفتند. در همین نظام سرکوبگر دربخش دزدیهای اعوان و انصار حاکمان وضع دیگری جریان دارد که به مثابه "مشتمونه خروار" می‌بینیم: عیسی شریفی قائم مقام محمدباقر قالیباف در شهرداری تهران، به اتهام فساد گسترده مالی، اختلاس، تحصیل مال نامشروع و ارتقاء بازداشت شده است.

به گزارش «آمدنیوز»، سازمان اطلاعات سپاه (ساس) با اطلاع از فساد مالی گسترده این مدیر ارشد شهرداری تهران و برای جلوگیری از بازداشت وی توسط وزارت اطلاعات، از هفته‌ی گذشته عیسی شریفی را بازداشت کرده است.

گفته شده، این سازمان امنیتی قصد دارد روند پرونده را طوری طراحی کند که به «محمدباقر قالیباف» شهردار پیشین تهران آسیبی وارد نشود. از سوی دیگر این سازمان امنیتی قصد دارد فسادهای گسترده قاليباف در شهرداری تهران را به عنوان «امتیاز» در دست خود نگه دارد تا قالیباف در مناصب دیگر خود نتواند از اجرای اوامر این سازمان، سر باز زند.

باتوجه به مطالubi که آمد رژیم جمهوری اسلامی خدمتگزار سرمایه علاوه بر استثمار و ستم شدید نیروهای کار یدی و فکری، به طرز وحشیانه ای کودکان پسر و دختر را قبل از پا گذاشتن به سن بلوغ ۱۸ ساله به عنوان نیروی کار، عدم فراهم نمودن آموزش و پرورش مجانية، تحمیل لباس تحصیلی و لوازم موردنیاز در مدرسه که نیمی از مزد ماهانه‌ی شروع سال تحصیلی ۵ برابر زیر خط حداقل، شستشوی مغزی دانش

پاکستانی بود. وی افزود: از بین این کودکان ۴۱ درصد مطلقاً بیسواد بودند، ۵۲ درصد داخل مراکز تفکیک زباله زندگی می‌کردند و سطح بهداشت آنها به شدت بایین بود.

وی افزود: دو مسیر اصلی برای کار این کودکان وجود دارد، نخست پیمانکار شهرداری است که مستقیماً این کودکان را استخدام می‌کند و برایشان کارت صادر می‌کند و مسیر دوم افرادی هستند از خود ماموران شهرداری که این کودکان را استثمار می‌کنند و پولی از آنها می‌گیرند تا بتوانند در منطقه کار کنند. مازیارفر با بیان اینکه مزیت این کارت‌ها این است که کودکان زباله گرد را دیگر کنک نمی‌زنند و زباله‌هایشان را به زور نمی‌گیرند، ادامه داد: باید به زباله به

چشم کالای گرانقیمت نگاه کرد. یک کودک به طور متوسط ۶۰ کیلوگرم زباله در طول روز جمع آوری می‌کند که با رسیدن سنگینی است. نماینده جمعیت امام علی با بیان اینکه وقتی پیمانکار مناقصه را برنده می‌شود با کارگاه‌های تفکیک زباله وارد مذاکره می‌شود گفت: مسئول کارگاه‌ها باید ۸۰۰ هزار تومان بابت هر کودک به پیمانکار بدنه‌ند تا اجازه پیدا کنند زباله‌های منطقه را تفکیک کنند. وی افزود: میانگین حداقل زمان زباله گردی ۲۰ ساعت و میانگین آن ۱۰,۵ ساعت است. ۶۲ درصد این کودکان هرگز از دستکش استفاده نمی‌کنند و ایدز، هپاتیت، کراز، حصبه، سالک پوستی، انگل‌های روده‌ای، اسهال خونی، فلنج اطفال، زانو درد و کمر درد از جمله بیماری‌هایی است که کودکان زباله گرد را هدف قرار می‌دهد.

با وجود همه مشکلات هیچ نهاد ناظر و مسئولی وجود ندارد و مواردی داشتیم که

۳۲۰ هزار تومان است. خانواده‌ها باید علاوه بر نوشت‌افزار، مبلغی نیز برای خرید لباس فرم مدرسه پردازند. رئیس اتحادیه خیاطان تهران قیمت تمام شده دوخت لباس مدرسه را ۷۰ هزار مدارس ۲۰۰ هزار تومان بابت لباس فرم از خانواده‌ها دریافت می‌کند. براساس این ارقام هزینه خانوارها برای یک دانش آموز بدون هزینه ثبت‌نام و کتاب‌های آموزشی، حدود ۴۰۰ هزار تومان برآورد می‌شود که نزدیک به نیمی از حداقل مزد ماهانه امسال است. علی باقرزاده رئیس سازمان نهضت سوادآموزی «مشکلات خانوادگی» را عامل ترک‌تحصیل ۵۳ درصد کودکان بازمانده از تحصیل اعلام کرده است.

نتیجه‌ی این سیاست ضد آموزشی نظام جمهوری اسلامی کودکان دانش آموز به نظام کودکان کارخیابانها و غیره تبدیل شده اند و با شروع سال تحصیلی: بیش از ۳۰۰ کودک کار فقط در خیابان‌های تهران اخیرا بازداشت شده اند. در تهران طرحی به نام جمع آوری کودکان کار به اجرا در آمد. طرحی جنجالی، با کمک شهرداری تهران، بهزیستی و فرمانداری بر اساس بعضی از آمارها حدود دو میلیون کودک کار در ایران زندگی می‌کنند. مقام‌های مسئول تعداد بچه‌های مشغول به کار را کمتر، اما فعلان حقوق کودکان تعدادشان را بیشتر از دو میلیون می‌دانند. (۱۸/۸/۲۰۱۷)

نظاری رئیس هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان در رابطه با اجرای طرح کودکان کار و خیابان به آماری در این زمینه اشاره کرد و گفت: «طرح جمع‌آوری کودکان تا امروز موفق نبوده است»، چرا که با وجود ۳۰ بار اجرای این طرح طی ۳۵ سال گذشته، کودکان بارها و بارها به خیابان‌ها بازگشته‌اند». ۱۳۹۶/۹/۲۹

شناسایی ۶۸۰ کودک زباله‌گرد / ۴۰ درصد این کودکان نان‌اور خانواده هستند اولین نشست کارگروه بررسی وضعیت زباله گردی کودکان تشکیل شد و طی آن نماینده‌گان دستگاه‌های ذیربطر به بیان مشکلات ناشی از کار این گروه از کودکان پرداختند. به گزارش ایسنا، مازیارفر، عضو جمعیت امداد دانشجویی امام علی در اولین نشست کارگروه بررسی وضعیت زباله گردی کودکان با اشاره به نتایج پژوهشی که در ۱۰ استان کشور انجام شد، گفت: در این پژوهش همزمان ۶۸۵ کودک شناسایی شدند که بیشتر ملیت آنها ایرانی، افغانستانی و



اوین خصوصاً بند ویژه روحانیت پیچیده و در بهداری زندان اوین هم انگشت‌نما شده بود.

او یک نمونه از انبوه کسانی است که نتیجه فعالیت شان در سال‌های اخیر، قربانی شدن دختران جوان ایرانی بوده است. هفته‌گذشته چند دختر ایرانی که در دبی مشغول به کارگری جنسی هستند، سوالاتی در مورد راه‌های برگشت به ایران و نحوه برخورد قضایی و نوع جرم و مجازات احتمالی آنها مطرح کرده بودند، از جمله اینکه پرسیده بودند "نیروی انتظامی و سپاه با قوادان و قاچاقچیان همدست هستند و رشوه می‌گیرند. حتی چند بار چند نفر از ما دستگیر شدیم و باید به بسیجی‌ها سرویس مجانی می‌دادیم تا آزاد شویم. کجا به داد ما می‌رسد؟"

واقعیت این است که قاچاق زنان به منظور دائز کردن مراکز فساد و فحشاء که همان قیادت و قوادی به شکل سازمان یافته است... قاچاقچیان تنها از بازار جهانی فحشا سالانه حدود هفت میلیارد دلار سود کسب می‌کنند و درآمد دلالان قاچاق زنان از هر روپی ماهانه بالغ بر چهل هزار دلار آمریکا برآورد شده است. بر اساس برخی اظهارات، قاچاق زنان پس از قاچاق مواد مخدور مقام دوم را در سوددهی به خود اختصاص می‌دهد. ایران هم، همانند بسیاری از کشورهای دیگر، از گزند این خطر در امان نیست. نمونه روشن این خطر، دستگیری اعضای باند قاچاق دختران ایرانی به کشورهای عربی، بر ملا شدن راز تشكیل «خانه هدایت» در کرج و تهران در زمستان سال ۱۳۷۹ و نیز دستگیری باند بزرگ «خاله گرده» در قم در اواخر سال ۱۳۹۰ است که به قاچاق زنان و دختران در داخل و خارج از کشور مشغول بودند... از طریق گردآوری در یک مکان یا جایگایی با اتومبیل یا از طریق تلفن یا اینترنت و دادن ادرس، مرد به زن یا بر عکس آنها را به یکدیگر معرفی کنند. برخی از زنان ایرانی توسط تورهای مسافرتی به مسافت رایگان برده می‌شوند و مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند. در واقع دامنه جرم قوادی با به کار گیری انواع وسایل و عناصر مختلف به سادگی توسعه یافته است، به طور مثال در آرایشگاه‌ها، ویدیوکلوب‌ها، اطراف سفارت خانه‌های خارجی، جلوی مدارس و پارک‌ها، قوادان در کمین هستند تا به فریب و اغفال زنان و دختران جوان پردازنند... بازار قوادی و دائز کردن مراکز فساد و فحشا گرم و پر رونق است چرا که به نظر می‌رسد ضابطین دادگستری چشم

کارگران و رحمت کشان تبدیل به نیروی عظیمی خواهد شد که هیچ دولت سرکوبگر حاکمی قادر به مقاومت در برابر این نیرو نمی‌گردد.

برای نشان دادن ستمی که به زنان حتاً از کودکی و نوجوانی و غیره روا می‌شود، در اندک گزارشات زیر توجه خواننده گان را جلب می‌کنیم تا خشم انقلابی این اکثریت عظیم کارگر و رحمت کش را در جلب این اکثریت سرکوب شده زنان صفت مبارزاتی شان دو چندان گردد:

ردپای نهادهای امنیتی در باندهای فحشا؛ پرونده یک روحانی قاچاقچی

ایران وایر : سال‌ها پیش در زندان، یک روز برای بیماری ام به بهداری زندان اوین برده شده بودم. آن‌جا یک روحانی را دیدم که از بند ویژه روحانیت آمده بود. مرد چاقی بود، حدود ۶۰ ساله که کارش قاچاق دختران به دبی بود. حاج آقا دختران را اغفال می‌کرده و تحولی باند قاچاق می‌داده است. پاس‌ها را از آن‌ها می‌گرفتند و به کارگری جنسی وادرارشان می‌کردند. کافی بود دختران یک یا دو بار تن به خواسته‌ها می‌دادند، تهدیدها شروع می‌شد که اگر برگرددید ایران اعدام می‌شوید. دستمزدهای کمی هم به آن‌ها می‌دادند و قوادها بیشتر پول را بر می‌داشتند. مجازاتی که به این روحانی داده بودند، فقط یک حبس کوتاه مدت بود، در حالی که از نظر حقوقی اقدامات گسترده او در راه اندازی شبکه قاچاق دختران به کشورهای عربی از جمله دبی و دائز کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها، اخلال در امنیت ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی باید به به ماده اتهام «افساد فی الارض» با او برخورد و اعدام می‌شد.

جرائم و حبس کوتاه مدت این روحانی موجب شده بود تا آوازه او در کل زندان

آموزان به جای فراهم ساختن آموزش وسیع و همه جانبه علمی، کشاندن آموzugگاران معتبرض به این گونه دخالت مذهب در آموزش و پرورش و دفاع معلمان از حقوق دانش آموزان و تشکیل کانونهای معلمان به زندان و شکنجه کشانده می‌شوند و غیره به روشنی نشان می‌دهند که دفاع از حقوق پایمال شده‌ی دانش آموزان که نیروی اجتماعی آینده نیز می‌باشد جزئی از قرار داشتن اینان در وظایف مبارزه طبقاتی کارگران بوده و از این طریق چنان نقشی باید جنبش کارگری ایفا نماید که این کودکان هرچه بیشتر به صفت مبارزاتی طبقه کارگر در نیروی امنیتی و جوانی بپیوندد.

درمورد زنان:

علاوه بر ۱۰ تا ۱۵٪ نیروی کار بدی و فکری زنان شاغل، که همانند کلیه ای کشورهای سرمایه داری جهان در مقابل کاربرابر با مردان در هر رشته ای ۱۵ تا ۲۰٪ مزد کم می‌گیرند و در شرایط حاکمیت مردسالاری و قوانین قرون وسطائی مذهبی، این زنان شاغل از امنیت لازم و ضروری در محیط کارنیز از جانب کارفرمایان برخوردار نیستند.

دختران و زنان بالاتر از ۹ سال، ۴۰ تا ۴۵٪ جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند به دلیل قرار داشتن زیر خفغان و سرکوب مردسالاری و مذهب حاکم با منوع بودن رابطه دختر و پسر، آزادگذاشتند ازدواج مردان با دختران از ۹ سال به بالا، رواج دادن فحشاء اسلامی صیغه کردن موقعت زنان، به راه انداختن صدور فحشاء به خارج و یا در داخل که در زیر به آنها اشاره خواهیم کرد، طبقه کارگر بدون مبارزه برای رهایی زنان از یوغ برده داری، امر پیش بردن انقلاب کارگری قادر به رهایی نخواهد شد و به این اعتبار مبارزه علیه مناسبات مردسالاری و مداخلات مذهب در امور زنان اردوی مبارزه طبقاتی





با تکیه به نیروهای مسلح، پلیس و شکنجه گر و زندانبان، قتلگاه عظیمی به وجود آورده اند که این نظامهای ارتقای اجتماعی را باید چون رو بیدن زباله ها از ساحت شایسته‌ی جهانیان تولید کنند و سازنده‌ی کشورها بیرون بریزند.

خامساً "روحانیت پرشور" مدعی از جانب شما به نیروی بی شور مانع پیشروی جهان درکلیه‌ی ادیان تبدیل شده اند. به طوری که از این انبیاء صاحب کتاب اعم از موسی، عیسی و محمد بین ۱۴۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش بوجود آمده، این روحانیون در سراسر جهان فرست داشته اند تا تبلیغ کرده و نفوذ یابند. اما هم اکنون در حال ازدست دادن این نفوذ می باشند و روحانیان منزوی تر از همیشه شده اند. کافی است به عملکرد های روحانیت درجهان اشاره شود: نظری عمل کرد روحانیون بهودی اسرائیل که روی بزرگترین جنایت صهیونیستها نسبت به فلسطینیان صحه می گذارند. روحانیان مسیحی صرف نظر از گذشته جنایات عظیم آنان امروز حتا به کوکان تجاوز جنسی می کنند. روحانیان اسلامی نیز بوجود آورند که از دزدی و جنایات بی مانند در ایران، اخوان المسلمين در مصر، بوکوحرام در آفریقا، داعش و غیره در خاورمیانه هستند که کوچک ترین احترامی را در میان توده های مردم تداشتند و از دست می دهند.

بنابراین زمزمه‌ی جامعه‌ی اسلامی سازی چیزی جز تشدید هرچه بیشتر تمرکز قدرت در دست "ولی فقیه" و جلوگیری سبو عانه از حرکت اعتراضی رو به اوج کارگران و زحمت کشان نمی باشد.

در تاریخ جهان هیچ اندیشه و عملی به اندازه‌ی دو انقلاب کبیر اکتبر ۱۹۱۷ و ۱۹۴۹ در روسیه و چین و گذار به سوسيالیسم، بساط حاکمیت فرقنا نظام امپراتوریها در هم کوپیده نشد. هفچان به مثابه جمعیت کثیر این دو کشور از سلطه‌ی فتووالها آزاد شدند. زنان از زیر قید مردسالاری که مذاهب نیز روی آن انگشت گذشتند و هنوز هم می گذارند، از اسارت مردسالاری و دین سالاری رها شدند. ملل تحت ستم دولتها حاکم آزادگشتند. کارگران به مثابه سازنده‌ی گان اصلی - چه یدی و چه فکری - جهش بزرگی را در این کشورها پس از قرار گرفتن در سطح رهبری این کشورها متحقق ساختند. در شرایطی که ظلم و جور در کشورهای دیگر موج می زد، خطر این دو کشور رها شده فارغ از بحران به پیش تاختند. وقتی جهان بحران زده سرمایه‌داری متوجه شد که این دولتها کارگری با

این نظر با بیان این که ما دولت اسلامی نداریم، اما باید به جامعه اسلامی برسم سخن گفت. وی ادامه داد در ایران ما تنها نظام جمهوری اسلامی درست کردیم. ولی برای رسیدن به درست کردن دولت اسلامی و جامعه اسلامی فاصله زیادی داریم. مبارزه اسلامی شدن هنوز تمام نشده است.

وی راه حلهای زیررا در تحقق این جامعه اسلامی مطرح نمود: ۱- درست کردن جامعه توحیدی و حیات بخشیدن به جامعه انبیاء؛ ۲- جواب دادن به خلاء فکری و دلزدگی از ایسمهای چپ و راست و غلط بودن سوسيالیسم که در اغلب کشورها شکست خورده و منزوی شده است؛ ۳- استفاده از فضای محاذی که حقیقی هم هست، سئوال و شبهه از ذهن خلاق متولد می شود؛ ۴- تقوا و ورع داشتن و اول روی خودمان باید کارکنیم پرهیز از گناه و خواندن نماز، تلاوت قران، دادن خمس و ذکات و زیارت. این راه حلها جز گمراهی آفرینی و تداوم افتدان در پرنگاه چاه ویل نظام سرمایه داری نمی باشد. اگر این ولی فقیه در ایران اندکی با چشمان باز و بدون غرق بودن در ذهنیات فسیل شده به بررسی اوضاع می پرداخت،

باید به این سوالات زیر جواب می داد: اولاً مگر در این ۲۸ سال اخیر با غنومن درمسند ولایت فقیه مطلق تمام نهادهای اقتصادی و دولتی و نظامی و قضائی در دست شما نبود؟ حکم حکومتی نیز جز دستور شما به مجلس نشینان تحمیل کافی برای حرکت به سوی نظام اسلامی نبود که سرو ته آن هم معلوم نیست، چیست؟

ثانیاً این قول جامعه‌ای تخیلی را دادن با توجه به پرونده مردود تحت ولایت فقیه، قادر به گول زدن مردم نمی تواند گردد. زیرا فرست کافی بود که این نظام جمهوری اسلامی حتا حداقل رضایت توده های مردم را برآورده می ساخت؟

ثالثاً اگر ۵۵ سال پیش آیت الله خمینی با درافتادن به مخالفت با رفرمای شاه، توانست مهارت خاصی در گول زدن توده های مردم یافته و اندکی از روشنگران مخالف رژیم سلطنتی را به سوی خود جلب کند، این فرست هم اکنون از دست شما در رفته که عامل رهبری کننده‌ی اصلی این اوضاع نابه سامان کنونی ایران هستید.

رابعاً پیش از هر زمان دیگر امروز نه تنها در ایران بلکه در جهان حداقل ۸۰ درصد مردم کارگر و زحمت کش به جان آمده از دست استثمارگران، ستمکاران، فربیب کاران و غارتگران حاکم در جست و جوی رهائی از این بربریتی هستند که تنها

بر وقوع این جرائم بسته و به گفته برخی از جمله دختران ایرانی ساکن دبی، برخی از مأموران نیروی انتظامی، سپاه یا بسیج با قوادان و قاچاقچیان زنان همdest هستند و با آنها برخورد قانونی جدی نمی کنند و در صورت دستگیری نیز برای متهمن این جرائم کیفری های خفیفی در نظر گرفته می شود. از یک منظر، ریشه و دلیل این عدم برخورد و مدارا با قوادان را به نوعی می توان در یک سیاست کلان امنیتی جستجو کرد. در واقع این تعامل ناشی از یک سیاست کلان امنیتی است. خانه های عفاف با مجوزهای قانونی فعالیت می کنند و زن ها را به صیغه مردان در می آورند. صیغه حتی می تواند برای چند دقیقه یا چند ساعت باشد اما موضوعی که عملکرد خانه های عفاف را بیشتر شبیه مراکز فساد و فحشا می کند، عدم نگهداری ُده در صیغه است. زنان در پایان مدت هر صیغه باید در صورتی که قابلیت بارداری دارند، دو پاکی بعد از دوره پریود عده نگهدارند و با مردی صیغه نشوند و در صورتی که قابلیت بارداری نداشته باشند، باید ۴۵ روز بعد از هر صیغه ُده نگهدارند. این موضوع در خانه های عفاف چندان رعایت نمی شود، چون رعایت آن، مسلمان به درآمد آنها لطفه می زند. (به نقل از آسمان دیلی نیوز)

مبارزه علیه مردسالاری و مذهب و دفاع از رهائی زنان و کودکان بخش مهمی از مبارزه طبقاتی جنبش کارگری است.

ک. ابراهیم

۱۳۹۶ ۱۵

(۲۰۱۷ ۷)



سوسيالیسم در برابر نظام اسلامی تخیلی!

نظام جمهوری اسلامی با ۳۹ سال درنده‌ی، در مقابل نفرت بی پایان کارگران و رحمت کشان ایران، قرار گرفته است. رهبری این نظام با سراسیمه‌گی خاصی در نجات این نظام، حیله جدیدی را در نقد آن توسط اندکی از روحانیت در ردهای چندمی، شروع شده است. تا با مصلح نشان دادن خود و فریقتن مردم، از فروپاشی این نظام جلوگیری کنند. این ترند به سطح ولایت فقیه نیز رسیده است.

در روزنامه جوان سپاه پاسداران که در این فریب دهی شرکت دارد، آمده که دولت اسلامی در ایران نبوده و خامنه‌ای در ادامه



عمل انقلابی کمونیستی و نقد خرده بورژوازی

پیروز انتخابات در این جوامع هستند و فقط در دوران های سخت بحرانی و جنگ این بازی انتخابات کمی تغییر کرده است. در برخی از جوامع مانند استرالیا اگر فردی در انتخابات شرکت نکند با جریمه نقی رویرو خواهد شد. در واقع این اجرای برای بالا بردن تعداد شرکت کننده گان در جهت کسب مشروعيت سیاسی است با استدلال مسخره شرکت در سرنوشت سیاسی با زور جریمه. مسئله تامین اجتماعی موضوعی است که بورژوازی کشورهای متropolی بسیار بر روی آن تاکید دارد. روشن است که در کشورهای متropolی سرمایه داری آزادی های فردی تا جائی که خطی متوجه سیستم سرمایه داری نکند وجود دارد. موضوعی که جذابیت خاصی برای انسان جهان سومی که حتی برای خوابیدنش هم باید مورد کنترل فکری و دولتی باشد، دارد. بطور مثال در عین آزادی پوشش برای زنان و آزادی رابطه بین زن و مرد، اما در کنار آن صنعت پورنو برای درهم شکستن رابطه های سالم اجتماعی و آلوده کردن آن از جانب بیشتر دولت های متropolی تقویت می شود. و یا سیستم تامین مالی (سوسیال) برای بیکاران جامعه وجود دارد و در عین حل برخی مسائل در زمینه بیکاری و سالم‌نگی ، به سیستمی برای تحکیم حضور طبقه بیکار و پائین نگه داشتن حقوق طبقه کارگر و مزد بگیران جامعه تبدیل شده است. حق اعتراض در اکثر این جوامع مانند کشورهای جهان سوم یا منمنع و یا توسط اتحادیه های زرد تحت کنترل و زد و بند از بالاست. دولت های جهان سوم معمولاً به تظاهرات و اعتراضات با زندان و شکنجه جواب می دهند. ولی کشورهای غربی اینکار را با زور جریمه های نقی و درگیر کردن معتبرین در بوروکراسی های دولتی انجام می دهند. اخراج از کار امری عادی در تمام جوامع است و هیچ قانونی ظاهرا اجتماعی هم جلودار آن نیست.

در جوامع جهان سوم مسئله ای به نام برابری در حقوق اجتماعی یا وجود ندارد و یا با هزاران تبصره و شرط و شروط آنرا عملاً کان لم یکن می کنند . ولی در جوامع متropolی با متغیر قرار دادن قانون و باز گذاشتن دست پلیس و دادگاهها بطور عملی این نابرابری را به ویژه در ارتباط با کارگران خارجی ، نه به قانون اساسی بلکه به ارگان های دولتی واگذار کرده اند.

در زمینه حقوق کودکان. در کشورهای تحت سلطه یا حقوق کودکان به لحاظ سنی تحت سلطه یا حقوق کودکان به لحاظ سنی به عنوان بخشی از حقوق والدین

هم اکنون میلیونها آواره ، مهاجر و فاری از کشورهای جهان سوم در کشورهای متropolی سرمایه داری زندگی می کنند و صدها هزار نفر در انتظار و یا آرزوی سفر به این کشورها هستند. ذهنیتی که رسانه های امپریالیستی از کشورهای اروپائی و آمریکا ، کانادا و استرالیا برای کارگران و کلام مردم کشورهای جهان سوم ترسیم کرده است ، بیشتر رویانی است. ذهنیت این است همه در آسایش و با حداقل تامین اجتماعی در حال زندگی هستند. آموزش و پرورش و بهداشت سطح تامین است . آیا اینها واقعیت دارند؟ و یا حقایق دیگری وجود دارند که رسانه های بورژوازی به راحتی آنها را دور می نند تا تمایل مردم فقیر را به جذابیت های اجتماعی کشورهای متropolی سرمایه داری به صورت تمایل به بهشت سرمایه داری بجای نفرت از نظام سرمایه داری و در جهت رهانی از این سیستم استثماری نگه دارند.

اولين مسئله بصورت آزادی های سیاسی در کشورهای متropolی تبلیغ می شود. در واقع کشورهای امپریالیستی با کمک به قدرت گیری دولت های دیکتاتوری طایفه ای و خانواده گی و میراثی و سرکوب های افسار گسیخته در کشورهای تحت سلطه از یک طرف و سازماندهی انتخابات بین دو حزب کاملاً دولتی با سیاست های یکسان و ظاهرا مخالف سیاسی و در حاشیه نگه داشتن بقیه احزاب در بلوک دو حزب دولتی تحت عنوان دموکراسی کشورهای متropolی سرمایه داری. با تبلیغات متمرکز و با استفاده از انحصارات رسانه ای بین المللی این نوع سیستم را دموکراسی و آزادی جلوه می دهند ولی کیست که نداند سیستم های امنیتی و پلیسی در این کشورها بسیار متمرکزتر و پیچیده تر و در خفا تر عمل می کنند. ولی بعلت اینکه هنوز جنبش های اجتماعی رو به اعتلا نیستند و بحران های اجتماعی و جنگ گریبانگیر این جوامع نشده است ظاهر این جوامع بسیار آرام به نظر می رسد اما در واقع خبری از دموکراسی به مفهوم شرکت مردم در سرنوشت خویش نیست. آنچه که هست حق انتخاب بین دو حزب دولتی است. در کشورهای متropolی سرمایه داری نزدیک به دو قرن است که دو حزب بطور دوره ای

تعمیق سوسیالیسم درکشور خود به بروز انقلاب در سطح جهانی کمک می کنند، حاکمیت صاحبان مالکیت خصوصی بروساپل تولید و مبادله و روحانیت در نظام سوسیالیستی دست به کار تشکیل "وحدت مقدس" در هم شکستن سوسیالیسم شدند و ارجاع جهانی در این نبرد نا برابر موقعتاً پیروز شد و به قول معروف "ره دراز است و فلندر بیدار" زود است که شما در شبپور ارزوای سوسیالیسم بدمید!

اما هم اکنون که جهان از ظلم و ستم طبقات استثمارگر حاکم و به انحراف کشانان مذهبی به جان آمده اند، شما که در جوانی به مثابه یک طلبه معمولی در مشهد فعالیت می کردید، اکنون به سطح رهبری مولتی میلیاردرها و حاکم مطلق در ظلم و جور در ایران رسیده اید. حاکمان جنایت کار امپریالیست و متفکران آنها شب و روز علیه آزادی و برابری انسانها - اعم از زن و مرد - دادسخن سرمی دهند و سوسیالیسم را "منزوی" قلمداد می کنند که شما هم تکرار کننده این سخنان هستید کور خوانده اید. اما شاید عمر شما کفاف ندهد ولی هرچه بشریت به جلو می رود، گند و کثافت حاکمیت ذهنی و عملی ایده الیستها در مناسبات سرمایه داری حاکم کنونی - اعم از سکولار و غیر سکولار- آشکارتر شده و دوران شورشهای انقلاب در زدودن این نظمهای موجود جهانی اعم از سرمایه داری در اشکال جمهوری، سلطنتی، مذهبی و برقرار ساختن سوسیالیسم به مثابه نظام رهانی بخش تبلور بیش از پیش می یابد. جامعه اسلامی در ایران به آخر خط رسیده است و تلاش آخر عمری شما هم به جائی نخواهد رسید.

ک.ابراهیم
۱۳۹۶ مهر ۱۸



به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!



گروهی دامن زده می شود. معمولاً آمار در رابطه با وضعیت زندگی، کار و درآمد و مقایسه آن با سطح عمومی جامعه به بیرون داده نمی شود. بطور مثال خودکشی، کشتن همسر، تحقیر در محیط های اجتماعی، نابرابری در حقوق و.... جریان می یابند.

قوانین پیچیده ای که مانند اختاپس به دست و پای کل جامعه چسیده است. جدائی کارگر مهاجر از کارگران بومی را تشدید می کند. ندانستن زبان کشور جدید، عدم آشنائی با فرهنگ کشورهای متropol و عدم تماس با جامعه از نزدیک، امکان نزدیکی کارگر مهاجر به کارگر بومی و همراهی با آنها را بسیار سخت و گاهای غیر ممکن می کند. کارگر مهاجر به دنبال حل مشکلات گذشته خود است و به همین دلیل به گروه ملیتی خود نزدیک می شود. اما این مشکلات بعلت اینکه سریعاً قابل حل نیست فرد را در درون گروه های خودی نگاه داشته و خود باعث گندی پیوند کارگر مهاجر با جامعه جدید می شود. نقش دولت ها در این روند بسیار برجسته است. آنها تحت عنوان آزادی فرهنگی و با کمک به فرهنگ کارگر کشور مهاجر آنهم از نوع مبتلاش، گروههای متعدد ملیتی را در جوامع بوجود می آورند تا کل طبقه کارگر یک جامعه را در جدائی از هم نگاه دارند. بطور مثال کارگر مهاجر ایرانی حتی بعد از طولانی زندگی کردن در جوامع متropol با کارگر این کشورها یا به لحاظ درک مشکلات و مسائلشان ناشنا است و یا اطلاعات بسیار کمی از دیگر کارگران کشورهای مهاجر که در کنار هم هستند دارد. این بهترین حالت برای بورژوازی کشورهای متropol است که به کارگران پراکنده هر شرایطی را که بخواهد تحمل کند. با تمام نکات منفی که مهاجرت های میلیونی پناهندگان (بخوان نیروی کار ارزان) بر روی مهاجران دارد ولی تاریخاً بدون اینکه بورژوازی کشورها و بین المللی قادر به جلوگیری از آن روند باشد، باعث نزدیکی جوامع گوناگون جهانی به همیگر می شود و کل جامعه بشری را برای یک نبرد تاریخی و تصفیه حساب با امپریالیسم و بورژوازی کشورهای جهان سوم آماده می کند. بطور واقعی طبقه کارگر جهانی به سطح ادغام و یکی شدن عینی رسیده است. انقلاب سوسیالیستی نقطه پایانی بر جدائی اجباری آنها خواهد گذاشت.

ع.غ.

روبه رشد است. حلقه ضعیف در کشورهای متropol کارگران کشورهای جهان سومی هستند به همین دلیل بیشترین فشار در درجه اول شامل حال آنها می شود. درآمد کمتر، کار بیشتر، تحقیر، بی حقوقی و راسیسم از عواملی هستند که کارگر مهاجر را بطور دائم به درون گرایی و جدایی از جامعه سوق داده و آنرا بصورت یک فرد بیگانه در می آورد. در جوامع جدید هم شکل طبقاتی در کشور خودی به نحوی بازسازی و بازتولید می شود. کارگر ایرانی وارد بازار سیاه کارفرمای ایرانی و کارگر عرب و به همین شکل ادامه می یابد. البته در نسل های بعد این مسئله کمی کم رنگ تر می شود ولی حضورش موجود است.

بر طبق قوانین سازمان ملل و سازمان بین المللی کار، حقوق و قوانین مشخصی برای کارگران مهاجر وجود دارد. اما این قوانین یا اجرا نمی شوند و دولت ها به بهانه های مختلف از زیربار آن شانه خالی می کنند. و یا مهاجران را در وضعیتی نگاه می دارند که آنها را وادار به بازگشت نمایند. امروزه که بازار کار کشورهای متropol دیگر همچون گذشته به نیروی وسیع کارگر مهاجر احتیاج ندارد. قرار گاهها و کمپ های مهاجران یکی از بدتر مکان های برای زندگی انسان قرن بیست و یکمی تعریف شده است.

در تحت چنین شرایط متقاوی هزاران مهاجر و فراری از جنگ داخلی و دولتی و سرکوب ناگهان خود را در جوامعی که قبل از بحران سرمایه داری این کشورها هم دولت های رفاه را ترک کرده و مانند کشورهای تحت سلطه بیشتر خدمات اجتماعی را یا از بین برده و یا در حال از بین بردن و ضعیف کردن آن هستند. تقریباً بیشتر افراد از راههای مختلف در زیر قرض بانک ها بوده و فشار کار هر روزه بیشتر و بیشتر می شود. مالیات های مختلف و بهره های بانکی و پرداخت های دائمی رسیده های مختلف از قرض بانک ها تا آب و برق و ماشین و غیره باعث شده است که کارکنان این جوامع تحت شدیدترین (استرس ها) فشار های روانی و اقتصادی قرار داشته باشند و برای این باید از خود بیگانگی انسان در این جوامع را که آمار خودکشی را بشدت بالا برده است بررسی کرد. در عمق جوامع رفاه و ظاهر آرام جوامعی خواهد بود که همچون جوامع جهان سومی و تحت سلطه از صبح تا دیر وقت کارگران و زحمتکشان جامعه تحت فشار کار بوده و این روندی

طرح است و یا همچون بسیاری از حقوق اجتماعی فقط در قانون برای نمایش موجود است و عملاً در سطح جامعه حقوقی مطرح نیست و آن چیزی هم که بصورت عملی موجود است از طریق تلاش سازمان های مستقل از دولت ها و "سازمانهای غیردولتی" جلو برده می شود. در زمینه حقوق کودک در خانوادهای جدا شده، جوامع تحت سلطه با سپردن سرپرستی کودک به پدر بطور یک جانبی و کشورهای متropol تحت عنوان حقوق کودک و مادر با سپردن سرپرستی کودکان آنهم بصورت یک جانبی به مادر باعث خدمات روانی عمیقی به کودکان می شوند. کارگر مهاجر بعlett درآمد پائین زندگی در محلات فقیر را ترجیح می دهد، محلاتی که از امکانات عمومی به مراتب کمتری برخوردار است. مشکل خانواده گی و جدائی یک روند عادی در این نیروی کار مهاجر است. بحران های خانواده گی که ناشی از مهاجرت و نیز حضور دو و یا چند فرهنگی برای بچه های خانواده، جدائی و گاهای بردین از محیط خانواده را بوجود می آورد که یکی از بزرگترین مشکلات پدرها و مادرها در خانواده های مهاجر جهان سومی است. دومین موضوع مسئله رفاه و تامین اجتماعی است. واقعیت این است که جوامع متropol ناشی از مبارزات اجتماعی از یک سو و استثمار و استعمار جوامع تحت سلطه و کسب مافوق سود، جوامع ثروتمند و با قوانین تقریباً تثبیت شده ای هستند، که اساس سیستم سرمایه داری را تامین می کرد. ولی با بحران سرمایه داری این کشورها هم دولت های رفاه را ترک کرده و مانند کشورهای تحت سلطه بیشتر خدمات اجتماعی را یا از بین برده و یا در حال از بین بردن و ضعیف کردن آن هستند. تقریباً بیشتر افراد از راههای مختلف در زیر قرض بانک ها بوده و فشار کار هر روزه بیشتر و بیشتر می شود. مالیات های مختلف و بهره های بانکی و پرداخت های دائمی رسیده های مختلف از قرض بانک ها تا آب و برق و ماشین و غیره باعث شده است که کارکنان این جوامع تحت شدیدترین (استرس ها) فشار های روانی و اقتصادی قرار داشته باشند و برای این باید از خود بیگانگی انسان در این جوامع را که آمار خودکشی را بشدت بالا برده است بررسی کرد. در عمق جوامع رفاه و ظاهر آرام جوامعی خواهد بود که همچون جوامع جهان سومی و تحت سلطه از صبح تا دیر وقت کارگران و زحمتکشان جامعه تحت فشار کار بوده و این روندی



**به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!**

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www.ayenehrooz.
com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.
org/01_ranjbaron-
line

سایت آرشیو روزنامه
رنجبر
http://www.yudu.
com/library/16050/
Ayeneh-Rooz-s-
Library

پیگیر و گستردۀ داشت و بهرام هم به سان
یکی از فعالان انجمان، معمولاً در صفحه اول
این تظاهرات بود.

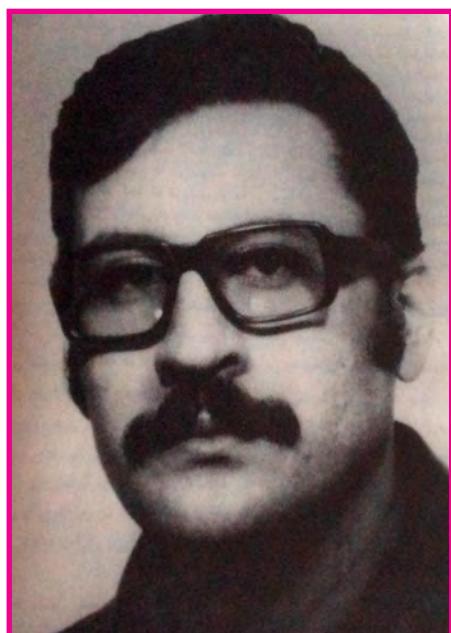
بهرام تحولات انقلابی در کوبا، ویتنام و
الجزایر را دنبال می کرد و در پی آن با
سازمان انقلابی آشنا شد و به صفحه هواداران
آن پیوست. چندی بعد در نتیجه اختلافاتی
که در نشستی معروف به «جلسه کادرها»
ایجاد شد، برخی از هواداران سازمان در
آمریکا با انتسابیون معروف به «کادرها»
هم‌دل بودند و بعضی با سازمان انقلابی
همبستگی داشتند. بهرام برای آگاهی بیشتر
با چند و چون این اختلافات به آلمان سفر
کرد و از نزدیک با رهبران هر دو جناح به
مذاکره نشست. بهرام در صفحه سازمان ماند.
در آن زمان او جوان ترین عضو سازمان
انقلابی بود.

بهرام در بازگشت به آمریکا نقش مهمی در
حفظ این تشکیلات به عهده گرفت. وظایف
سازمانی در سال ۱۹۷۰ سبب شد که او بار
دیگر به اروپا سفر کند. این بار مسئولیت
رهبری فعالیتهای دانشجویی سازمان انقلابی
به او محل شد. در همین دوران به رهبری
واحد آلمان و پس از چندی به عضویت در
هیأت اجرائیه سازمان انقلابی در خارج از
کشور برگزیده شد.

او در آستانه انقلاب یه ایران بازگشت و با
تشکیل حزب رنجبران ایران به عضویت در
دفتر سیاسی آن انتخاب شد. بعد از آغاز حمله
رژیم جمهوری اسلامی به حزب رنجبران،
بنا بر تصمیم حزب، قرار شد بهرام برای
مدتی از ایران خارج شود. او که بیماری
معده شدیدی داشت، می باشد برای معالجه
به اروپا میرفت. هنگامی که برای خروج از
کشور همراه یک فاچاقچی از تهران به مرز
ترکیه می رفت در طول راه، در جاده‌ی
خوی به طرف سلامس، اتوموبیل شان دچار
تصادف شد و بهرام جان باخت.

افسانه اسلامی، از اعضای اتحادیه کمونیست
ها نیز به همراه همسرش در آن اتوموبیل
بود و کشته شد. افسانه حامله بود. آنها به
طور اتفاقی همسفر یکدیگر شده بودند.
افسانه نیز از فعالین سازمان دانشجویان
ایرانی در کالیفرنیا بود. گویی سرنوشت بر
آن بود که بهرام و افسانه، آنان که روزگاری
در یک انجمن دانشجویی با سیاست آشنا شده
بودند، در یک نقطه از خاک ایران، کنار
هم بمیرند.

بهرام راد



بهرام راد در هشتم مردادماه ۱۳۲۵ در
تهران به دنیا آمد. تحصیلات دبیرستانی اش
را در دبیرستان البرز گذراند و همانجا با
شرکت در مبارزات دانش آموزی، نخستین
تجربیات سیاسی خود را به دست آورد. در
سن هجده سالگی برای ادامه تحصیل به
آمریکا رفت و در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا،
در شهر هیوارد، ثبت نام کرد.

بهرام به زودی به یکی از عناصر مؤثر
کنفراسیون تبدیل شد. در تشکیل انجمن
دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا که
از فعال ترین واحدهای سازمان دانشجویان
ایرانی در آمریکا بود، نقش برجسته ای
بازی کرد. دوستانی که در آن سال ها به
«خانه ایران»؛ مرکز انجمن دانشجویان
ایرانی رفت و آمد داشتند و از فعالیت های
بهرام باخبرند، می گویند این واحد در آغاز
چند عضو بیشتر نداشت و پس از مدتی
کوتاه صدھا نفر را به صفوف خود جلب
کرد و در این کار، راد نقشی مهم داشت.
بهرام بارها از طرف همین انجمن به عنوان
نماینده در کنگره های سازمان شرکت کرد
و در فعالیت‌های دفاعی که برای نجات
جان زندانیان سیاسی از زندان های شاه
سازماندهی می شد، شرکتی مؤثر داشت.
او علاوه بر این، در تلاش های پیگیر
بین‌المللی انجمن دانشجویان برای مبارزه با
تبییض نژادی در آمریکا و حمایت از جنبش
سیاهپستان آن کشور شرکت می کرد.
در آن سال ها شهر برکلی مرکز مبارزه
بر ضد جنگ ویتنام بود. انجمن دانشجویان
ایرانی در این مبارزات حضور و شرکتی



البته سکتاریسم و فرقه گرانی پدیده تازه ای نیست . از زمان های دیر و در نظام های پیشینه بار گرانی بوده که همچنان برگرده ای انسان سوار و سنگینی کرده است . در سرزمین هائی چون ایران - چهار راه بزرگ راه ابریشم ، از چین در شرق و تا غرب در زنگبار ، زنگ کاروانان در راهش به گوش می رسیده است ، تنوع ادیان ، مذاهب ، آفواه و در عصر معاصر ملت ها بیشتر بوده و در نتیجه مسئله وحدت برای هدف مشترک پیچیده تر جلوه می کند و هیچ فرمول یک رقمی و معجزه آسانی نمی تواند این مشکل تاریخی را به آسانی حل کند .

با تسلط سرمایه داری و گسترش ارتباطات جمعی چنین تصور می رفت که مناسبات طبقاتی روشن میان استثمار شدگان و استثمار کنندگان یعنی بورژوازی و پرولتاریا فرقه ها کمتر شده و سکتاریسم کمرنگ تر جلوه خواهد کرد . اما چنین نشد چون سرمایه داری طبق شرائط تاریخی خود و طبق شرائط محیط وامکانات مردمی و بر اساس قانون سود بیشتر عمل کرد و در سیاست از اصل " نفاق افکن ، حکومت کن " پیروی نمود . بدین ترتیب می بینیم که نظام سرمایه همه جایک جور ویک نواخت لنگر نیانداخت ، بلکه با رشد ناموزون خود و تسلط همه جانبه انحصارات در دوران امپریالیسم بر اقتصاد جهان ، جهانی شکل گرفت نا متعادل ، بخشی محدود ثروتمند و بخشی عظیم فقر و محتاج . امپریالیستها همه جهان را پاره کردن و بارها برای تقسیم مجدد آن و سلطه بیشتر ودر دوران جدید برای سرکردی کامل چون حیواناتی هار پنچول به روی هم کشیده اند . جهانی که می بایست با تکا مل سرمایه داری سکت ها را صاف کند ، در میزانی بس عظیم تر خرافات و چرک و خون های عقب ماندگی های نظام های کهنه را نه تنها نزدود بلکه ضخیم تر به جامعه سرمایه داری انتقال داد . امروز وجود سکت ها به یک متن عمومی تکامل سرمایه داری تبدیل شده است . :

کارگران را به کارگران یدی و فکری تقسیم کردن و به هر بخش نامی نهادند و هر رشته را بنام صنف خود خواندند . جنبش سیاهپوستان را جدا از سفید پوستان شکل دادند ، جنبش زنان را از محتواه طبقاتی خالی کردند و به آن مهر فمنیستی زدند ، سرخپوستان را وحشی نامیدند تا سرزمینشان تسخیر کنند اقوام را به جان هم انداختند و میان ملت ها می موجود آتش دشمنی بربا نمودند . در میان هر ملتی هم چندین دین و فرقه کاشتند . راهزنان و غارتگران از خشکی و دریا با

یعنی پیروزی بر اپورتونیسم و آئین پرستی خشک مغزانه چپ در داخل جنبش کارگری و نیز برای سرنگون ساختن بورژوازی و استقرار جمهوری شوروی دیکتاتوری پرولتاری ، کار عمد (که البته هنوز به هیچ وجه تمام نیست ، ولی کار عمد است) در مورد جلب پیشاوهنگ طبقه کارگر و گرویدن وی به جانب حکومت شوروی علیه پارلمانتاریسم ، به جانب دیکتاتوری پرولتاریا علیه دموکراسی بورژوازی ، هم اکنون انجام یافته است . اکنون باید تمام قوا و تمام توجه را روی گام بعدی متمرکز ساخت که کمتر اساسی به نظر می رسد - و از لحاظ معنی واقعا هم کمتر اساسی است - ولی در عوض از لحاظ عملی به حق عملی مسئله نزدیکتر بوده و عبارت است از : کشف شکل انتقال یا نزدیکی به انقلاب پرولتاری .

لنین : بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیسم - از فصل ۱۰ نتایجی چند

اکنون تمام مطلب در این است که کمونیستهای هرکشور خواه وظایف اساسی و اصول مبارزه علیه اپورتونیسم و علیه آئین پرستی خشکمغزانه "چپ" و خواه خصوصیات مشخصی را که این مبارزه در هرکشور جدگانه ای بر وفق علائم ویژه اقتصادیات و سیاست و فرهنگ و ترکیب ملی (ایرلند و غیره) و مستعمرات و تقسیم بندی مذهبی آن کشور و غیره و غیره ، پیدا می کند و ناگزیر باید پیدا کند ، با آگاهی کامل در نظر بگیرند . همه جا نا رضایتی نسبت به انترناسیونال دوم احساس می گردد ، بسط می یابد و افزایش می پذیرد و این نارضایتی خواه به سبب اپورتونیسم انترناسیونال دوم و خواه به سبب آن است که انترناسیونال دوم قابلیت یا استعداد آن را ندارد که یک ارگان واقعاً متمرکز و واقعه رهبری کننده بوجود آورده که قادر باشد تاکتیک بین المللی پرولتاریای انقلابی را در مبارزه ی وی بخاطر ایجاد جمهوری شوروی هدایت نماید . باید این نکته را به نحوی روشن درک نمود که یک چنین ارگان رهبری کننده ای به هیچ وجه نمی توان بربایه یکنواخت نمودن ، هم سطح ساختن مکانیکی و همگون کردن قواعد تاکتیکی مبارزه بنامود . تا زمانی که تمایزات ملی و دولتی بین خلقها و کشورها وجود دارد (و این تمایزات حتاً پس از استقرار دیکتاتوری پرولتاریا به مقیاس جهانی نیز طی مدتی بسیار و بسیار طولانی وجود خواهد داشت) ، آنچه را که وحدت تاکتیک بین المللی جنبش کمونیستی کارگری کلیه کشورها ایجاب می نماید برانداختن این تنوع و محو تمایزات ملی نبوده (و این عمل در لحظه ی کنونی پندار پوچی است) بلکه به کاربستن اصول اساسی کمونیسم (حکومت شوروی و دیکتاتوری پرولتاریا) به شیوه ای است که این اصول را در جزئیات صحیحاً تغییر شکل دهد و با تمایزات ملی و دولتی ملی دمساز نماید و تطبیق دهد . وظیفه ای عده همه کشورهای پیشرو (و نه تنها کشورهای پیشرو) در لحظه ای تاریخی کنونی عبارت است از تحقیق ، بررسی ، تفحص ، حدس و درک خصوصیات و ویژگیهای ملی در شیوه های مشخص هر کشور برای حل مسئله واحد بین المللی

سکتاریسم بیماری مزمن جنبش کمونیستی



دشمنان طبقه کارگر و اکثریت عظیم بشریت با اینکه مشتی کوچک اند واز دید طولانی واستراتژیکی غول های پاگلی ، شیر های برفی و بیر کاغذی اند اما در میزان تاکتیکی باید آنها را حیوانات واقعی ، خونخوار و با دندان های نیز به حساب آورد . تاریخ گواه است که جهان چنین نبوده و چنین تخواهد ماند . بزرگترین امپراطوری ها در هم پیچیده شده است و خونخوارترین جنایتکاران سرنگون شده اند . اما این گواهی تاریخ بخش دیگری هم دارد و آنهم اینست که توهم نسبت به دشمن در میزان تاکتیکی نتیجه اش شکست و هرمان است و فرو پاشی قدرت ها را به تاخیر می اندازد . با حرکت از این واقعیت است که پیشروان انقلابی طبقه کارگر باید قادر شوند ضمن واقف بودن به آینده ی تابناک پیروزی بر دشمنان خود ، در اتخاذ تاکتیک ماهر باشند و هر نبردی را علیه دشمن چنان سازماندهی کنند که پیروزی حتمی باشد . چنانچه خوب به تاریخ مبارزه طبقاتی بنگریم بورژوازی در این سالهای طولانی قادر شده است در عملیات تاکتیکی آنجائی پیروز شود که پرولتاریا نتوانسته به اصولی ترین اصول موجودیتش که وحدت و تشکیلات است تحقق بخشد . سکتاریسم یک گرایش بغاایت انحرافی در جنبش کمونیستی است که تابه حال لطمات بزرگی به طبقه کار و پیروزی سوسیالیسم زده است . .



عرصه ارگان های دولتی با قوه قضائیه و بطور ظاهرا نسبی با قوه مقننه در مقاطع مختلف زمانی متحد شوند.

اما مسئله ای که رژیم اسلامی در تمام دوران به قدرت رسیدن با آن دست به گریبان بود تقسیم قدرت در قانون اساسی بود که در اوایل انقلاب متن اولیه آن نوشته شده بود. و بعدها هم با تبصره های مختلف حل نشد. این مشکل چه بود؟ مسئله تقسیم قدرت بین بالا ترین مقام دولتی (ولایت فقیه) با رئیس دولت . اولین بار این تضاد خود را بین خمینی و بارزگان نشان داد . بارزگان در واقع زیر بار روحانیت ایران که توسط خمینی رهبری می شدند نرفت و از قدرت کنار گذاشته شد . همین مسئله بعدا برای بنی صدر به عنوان اولین رئیس جمهور با خمینی و رجائی پیش آمد. بنی صدر با تکیه به رای میلیونی حاضر به امر و نهی خمینی نشد و بطور توطه امیز و خشونت باری کنار گذاشته شد بعد از بنی صدر این تضاد بین خامنه ای به عنوان رئیس جمهوری با نخست وزیر وقت میر حسین موسوی پیش آمد که با پا در میانی خمینی اوضاع آرام می شد. رژیم سعی کرد که با حذف پست نخست وزیری و سپردن همه قدرت اجرائی دولتی به رئیس جمهور این مشکل را حل کند. ولی در تمام دوران بعد از حذف نخست وزیری و سپردن دولت بطور مستقیم به رئیس جمهوری باز هم تضاد بین رهبری دولت و سیاست گذاری با ولایت فقیه به عنوان سکاندار سیاست های پایه ای در رژیم جمهوری اسلامی از بین نرفت.

بعد از انتخاب مجدد احمدی نژاد و رشد اختلاف بین او و ولایت فقیه رژیم خامنه ای در یک سخنرانی به تغییر قانون اساسی در رابطه با پست ریاست جمهوری از انتخابی به انتصابی اشاره ای اولیه داشت او در سخنرانیش در ۴ مهر ۱۳۹۰ امکان تغییر نظام ریاستی (انتخاباتی و رای مستقیم مردم) را به نظام پارلمانی رد نکرد و تغییر اثرا جزئی از سیاست های نظام داشت. در حقیقت خامنه ای با باز کردن این بحث چماقی را علیه پست ریاست جمهوری در راستای تسلیم تمام و تمام رئیس جمهوری به خود برداشته است که به یک دست کردن قدرت کمک خواهد کرد. اما رژیمی که دستش تا مرافق به خون مردم آلوه است نمی تواند با یکدست شدن قدرت نیروی متعددی علیه توده های وسیع مردم و افلاشبازان به بیشتر مشکل شدن ضد انقلاب دولتی بیانجامد، فشار اعتراضات مردم تاثیرات مشخصی بر روی قدرت در

قرار دهد. نتیجه بررسی را مرحله به غارت در اختیار اعضای شبکه مطالعاتی قرار دهد و نظر خواهی نماید دوم: سوسیالیسم و کمونیسم تابحال را چه در عرصه پرایتیک و چه در عرصه تئوریک مور بررسی قرار دهد و به همان شیوه قم به قدم کار تحقیقی خود را در اختیار شبکه وسیعتر علاقمندان قرار دهد سوم: در نهایت و پس از پیشبرد دو محور مطالعاتی یکم و دوم با لا طرح چه باید کرد را بعنوان پیشنویس ارائه دهد. و پس از برخورد و نظر دهی همگانی اعضای شبکه مطالعاتی سند یا اسناد نهایی را برای تصویب عرضه دارد

محسن رضوانی اکتبر ۲۰۱۷



ریاستی یا پارلمانی

رژیم جمهوری اسلامی از روز به قدرت رسیدنش بطور مرتب مشغول تصفیه حسا ب های سیاسی درونی ، بیرونی بوده است هنوز درگیریهای خیابانی در روزهای ۲۲ و ۲۳ بهمن تهران به پایان نرسیده بود. که کمیته ها شروع به خلع سلاح مردم و سازمان های سیاسی کردند. عقب راندن ، حذف فیزیکی و روانی ، اعدام و شکنجه و کلیه وسائل و امکانات به کار گرفته شد که هیچ مخالفی اجازه عرضه اندام در برابر رژیم اسلامی پیدا نکند. منتها چاهی که رژیم برای مخالفانش کنده بود به مرور زمان خودش را هم به درون کشید. جناح های درونی رژیم که علیه گروههای مخالف سیاسی متعدد عمل می کردند چار دوستگی و انشعاب شدند. در قدم های اول جناح های ملی و لیبرال با زور از قدرت رانده شدند سپس نوبت ، ملی مذهبی ها و سپس خط امامی ها رسید و به همین سیاق این پروسه ادامه یافت تا موقعی که اصلاح طلبان با به قدرت رسیدن خاتمه خود را تحکیم کردند هنوز اختلافات در پشت پرده و دور از چشم مردم حل می شد ولی زمانی رسید که دیگر حل اختلاف جناح های پرقدرت دورنی رژیم دیگر با نصیحت خمینی و پا در میانی خامنه ای قابل حل نبود. از اینجا به بعد هم خمینی و سپس هم خامنه ای مجبور شدند که چهره همگرایی را کنار گذاشته خود را در کنار جناح های اصول گرا تر همچون روزنامه کیهان، نشریه جوان و... غیره در رسانه ها و با سپاه پاسداران در عرصه نظامی و در

برای بررسی ارائه می دهم : یک آکادمی کمونیستی جهانی براساس یک برنامه کامل آکادمیک بوجود آوریم و سه محور بررسی و تحقیق را در این آکادمی سازماندهی کنیم یکم: سرمایه داری از اول تا بحال را همه جانبی براساس شیوه علمی مارکس هدف



- ۲۳- حزب مارکسیست-لینینیست پرو
- ۲۴- PPP حزب پرولتری پرو
- ۲۵- حزب کمونیست نوین هائیتی (مارکسیست-لینینیست)
- ۲۶- حزب کمونیست ترکیه / کردستان
- ۲۷- حزب کمونیست چکسلواکی - حزب کارگران چکسلواکی)، جمهوری چک



تشنج آفرینی... بقیه از صفحه آخر

رای دهی گرچه لحظه ای ولی به صورت هلله و شادی بخش طنین انداز می شود و فراموش می گردد که : مگر رای مردم در برخی کشورها به سود جنگ تحت عنوان "دفاع ملی" ، "انتخاب فاشیستها" به صدرات کشور، "جمهوری اسلامی نه یک کلمه و حرف بیشتر" ، "انتخابات مجلس" دائما با شادیهای پیروز شدنها، صورت نمی گیرد و این سؤال در برابر توده های مردم قرار نمی گیرد که "رای دادن به نفع کدام طبقه و قشر اجتماعی است؟" و به این اعتبار "آیا تحريم این گونه رای دهی ها ضروری است یا نه؟" و این سؤالها اولین گام در مقابله و یا در تایید آن راهگشا می باشد.

امروز کسانی پیدا شده اند که به نام کمونیست بودن "احترام به رای مردم" را با ندین "رای به نفع کی؟" ، به جای تحلیل مادی و دیالکتیکی "ماهیت این رای دهی" دچار عوام فربیی، کشف احساس تاریخی توده ها و غیره شده و عملا نه به خاطر رهائی توده ها بلکه به دنباله روی از حاکمان توده ها سینه می زند!

پس از تلاش قرنها مبارزه ای توده های مردم در رهائی از ظلم و ستم حاکمان فئودال و سرمایه دار غیر خودی تحت رهبری نیروهای فئودالی، مذهبی، خرد بورژوائی و بورژوائی خواستار "خودمختاری ملی کورد" ، "حق تعیین سرنوشت ملی برای جدائی" ، "تشکیل دولت فدرالی در چارچوب کشورهای چندملیتی" و غیره جریان یافته است. از جمله تشکیل دولت خودمختار فدرالی در کوردستان عراق تا حد فرالی بودن دولت عراق و شرکت "نماینده گانی" از کوردها در دولت مرکزی، تحت هدایت حزب دموکرات کوردستان به رهبری مسعود بارزانی بالاخره در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ (۳۹۹۶) با برگزاری رفراندوم جدائی و رسیدن به "استقلال ملی" با کسب ۷۰٪ رای مردم کورد، ایجاد روحیه ای کاذب تحقق خواست مردم در حد بورژوائی و کشاندن آنان به راهی

هر جامعه بجای می گذارد که در رابطه با ایران به کشمکش های بیشتر جناح های درونی قدرت می انجامیده است. اما این تضاد بین ارگانهای تصمیم گیرنده در رژیم جمهوری اسلامی که حتی به سطح مجلس شورای اسلامی با دولت، دولت با قوه قضائیه و هم رسیده است ناشی از یک مشکل عمیق تر است که رژیم اسلامی اجازه بحث آنرا به هیچ کدام از جناح ها و یا ارگان های رهبریش نمی دهد و آن تضاد بین رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با قوانین ارتজاعی اسلامی اش از یک سو و مردم خواهان عدالت و آزادی از سوی دیگر می باشد. جناح های رژیم اسلامی تمامی تلاش های خود را برای سلطه بر دیگری بکار گرفته و می گیرد تا نه تنها سلطه سیاسی بلکه سلطه نظمی - امنیتی و مهمتر از همه سلطه بر ارگان های اقتصادی را کنترل کنند. این البته با منافع جناح های مختلف سیاسی و نظامی نیز بورژوازی داخلی و خارجی همخوانی دارد. هر گاه تضاد های جناح های مختلف بورژوازی بین المللی از یک سو و تضاد توده های وسیع مردم با رژیم اسلامی تشدید می شود نحوه جناح بندی این نیروهای درون حکومتی اشکال مختلف سیاسی به خود می گیرد.

خلاصه کنیم: دعواهای درونی حاکمیت بر سر مسئله پست ریاست جمهوری و تقسیم قدرت جناح ها، جنگی بر سر قدرت برای دست اندازی به اقتصاد و بازار و نیروی کار وسیع و بزرگ در ایران است. جنگی است که دزدان حکومتی با تمام فریبکاری های اصلاح طلبی و اصول گرایانه شان به دنبال پر کردن جیب های گشادشان از قبل کار کارگران و زحمتکشان و دست اندازی به منابع و ثروت های طبیعی ایران هستند. برای جناح های درونی قدرت در ایران این اختلافی جدی است اما برای توده های وسیع مردم این اختلافی بین دزدان و اختلاس گران حکومتی برای غارت بیشتر مردم است. تا زمانی که رژیم بورژوائی جمهوری اسلامی بر سر قدرت است این دعواهای درونی را پایانی نیست. پایان این اختلاف فقط با سرنگونی این رژیم و جایگزینی آن با یک رژیم سوسیالیستی که مبنای حرکت خود را خدمت به دموکراسی پیگیر اجتماعی و حفظ منافع کارگران و زحمتکشان جامعه می گذارد قابل تصور است.

غ.غ

- ۲۱- حزب کمونیست (مارکسیست-لینینیست) پاناما
- ۲۲- حزب کمونیست (مستقل) پاراگونه



پروازهای ایران به مقصد فرودگاه‌های سلیمانیه و اربیل و از مبداء اقلیم کردستان متوقف شده است.

اما این مداخلات این کشورها از نظر نظامی نیز با چنگ و دندان نشان دادن نظیر ارسال نیروی عراقی به کرکوک، تقویت پایگاه نظامی ترکیه در شمال کردستان عراق و آتش افروزی رژیم جمهوری اسلامی مقدمه‌ی تشنج آفرینی را نشان می‌دهد:

مناطق مرزی ایران با کردستان عراق مورد هدف قرار گرفت.

"اسپوتیک" به نقل از خبرگزاری آناتولی، حزب اتحادیه میهنی اداره اقلیم کورد عراق در سایت رسمی خود نوشت: مناطق کوهستانی به ویژه شش روستا در منطقه بالکانی و حاج عمران استان اربیل در نزدیکی مرز ایران بدون وقه توسط توپخانه ایران مورد هدف قرار گرفت. در مورد خسارات و تلفات احتمالی ناشی از این حملات خبری داده نشده است. وقوع این حملات در آستانه برگزاری همپرسی جدایی اداره اقلیم کورد عراق از دولت مرکزی این کشور حائز اهمیت می‌باشد.

بعضی خبرها هم می‌گویند سپاه پاسداران در قالب یک رزمایش از اجرای آتش سنگین توپخانه‌ای در مناطق غربی کشور و نزدیک کردستان عراق خبر داده است.

در چنین شرایطی وظیفه‌ی کلیه‌ی تشکلهای کمونیست در خاورمیانه با بلند کردن پرچم نظام سوسیالیستی در خاورمیانه و

در طلب بروز انقلاب اکتبر کارگری فریاد می‌زند و بربریت نظام حاکم امپریالیستی برجهان عربه‌های نابودی کشورها را

به سبک هیتلری امروزه سر می‌دهد!! و مرتجعانی که با خروارها افکارگذشته‌ی ایده‌آلیستی و کنه‌خود را به زنجیربسته اند رهائی نظام سرمایه‌داری را در گرو مبارزه با سوسیالیسم تحت حاکمیت دین بر دولتها در

بوق و کرنا می‌دمند!!

اما در شرایطی که حرف اول را حاکمان سرمایه دار می‌زنند، حتا قبل از برگزاری این رفراندوم "استقلال طلبی" این تشنج آفرینی شروع شده است:

ترکیه مرز هوایی اش را به روی کردستان عراق بست یک روز به رفراندوم جایی کوردستان عراق باقی است. ترکیه پروزاها را خود به مقصد و یا از مبداء اقلیم کردستان عراق را بسته است. به گزارش اسپوتیک به نقل از باشگاه خبرنگاران جوان، شورای امنیت ملی ترکیه آسمان این کشور را به روی هوایپماهایی که به مقصد یا از مبداء اقلیم کوردستان عراق پرواز کنند، مسدود کرد. شورای امنیت ترکیه با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد از این پس آسمان این کشور بر روی هوایپماهایی که به مقصد و یا از مبداء اقلیم کوردستان عراق پرواز کنند، بسته خواهد بود.

شورای عالی امنیت ملی ایران نیز به

موفق شدند تا حاکمیت نظام سرمایه‌داری در منطقه کوردستان به تحقق کاملی با شروع قبیله بازی برسد.

اما با در پیش گرفتن این سیاست جدائی، نه تنها رهائی توده‌های کارگر و زحمت کش و زنان پرتحمل و مبارز کورد از ظلم و ستم حاکمان خودی تحقق نیافته و از این به بعد نیز نخواهد یافت، بلکه به دلیل دامن زدن به "ملی گرایی" و گسترش آن به دیگر کشورهای ترکیه، ایران، و سوریه مرکز تشنج آفرینی جدیدی را در خاورمیانه آفریدند که مستقل از تضادهای موجود در تعیین مرزهای کشوری بین دولتها بورژوائی کورد و غیرکورد، زمینه برای مداخلات نفوذی امپریالیستی و صهیونیستی آینده در خشان مناسبات دوستانه بین ملل ساکن این منطقه به وجود خواهد آمد.

تاكيد كليه‌ی نيزوهای راستين کمونيست در از بين بردن تضادهای از خود بیگانگی ناشی از تضادطبقاتی، تضاد ملی، تضاد دینی، تضاد جنسیتی، تضاد زبان رسمی، در هم کوبیدن شوونیسم "مرزهای پرگوهر" است که در گرواحترام متقابل کليه‌ی انسانهای رنج کشیده در میان جنگهای این تضادها که عدتا اکنون توسط طبقات سرمایه‌دار در این منطقه صورت می‌گیرد. آزادی و برابری این ملل تنها و تنها تحت رهبری طبقه کارگر این منطقه و برپایه‌ی برقرار ساختن نظام سوسیالیستی چنین منطقه‌ی آزاد، برابر و شکوفان ممکن می‌گردد. جهان امروز





و بسیار تروتمند ... پرده پوشی می گردد..."

ک.ابراهیم

۶ مهر ۱۳۹۶

۲۰ سپتامبر ۲۰۱۷

سلاح ها الکترومغناطیسی...

بقیه از صفحه آخر

یکی از این اسلحه ها یک وسیله نقلیه مین پاکننده از راه دور که قادر به شناسایی و منفجر کردن معادن تا ۱۰۰ متر است، می باشد. لیستوا، یک وسیله نقلیه مین پاک ساز از راه دور که قادر به شناسایی و منفجر کردن معادن تا ۱۰۰ متر می باشد. این یک چنین اسلحه ای است.

یک وسیله نقلیه زره پوش مجهز به یک فرسنده با فرکانس فوق العاده بالا در مقابل یک سیستم موشکی متحرک حرکت می کند. این مین های زمینی رادیویی را که در کنار و دور از جاده کاشته شدند را با استفاده از رادار نفوذ زمینی کاوش می کنند. این یک تکنیک بسیار جدید است که هرگز قبل استفاده نشده است.

در جریان یک تمرین در روز چهارشنبه، حدود ۲۰ دستگاه واقعی انفجاری تلقن همراه کنترل شده در طول مسیر یک ستون از موشکهای بالستیک موبایل یارس، کاشته شدند. یک وسیله نقلیه لیستوا تمام آنها را رديابی کرد و آنها را از مدت‌ها قبل از اینکه موشکهای آن منطقه رسیده باشند منفجر کرد. در دو سال آینده، نیروهای موشکی استراتژیک روسیه بیش از ۱۵۰ دستگاه لیستوا مین روی را دریافت خواهند کرد.

سلاح های آینده

سلاح های رادیویی منحصر به فرد بر پایه اصول فیزیکی جدید که در پائیز گذشته در روسیه مورد آزمایش قرار گرفتند از فرسنده های الکترومغناطیسی تلقن همراه برای غیرفعال کردن کلاهک های موشکی و الکترونیک هاوایی استفاده می کنند.

بمب های الکترومغناطیسی که توسط روسیه توسعه یافته اند می توانند از سلاح های هسته ای موثرتر باشند، زیرا آنها با یک موج کوتاه الکترو مغناطیسی قادرند کل ارتش را خنثی سازند. علاوه بر این، برخلاف گیرنده های الکترونیکی هم اکنون موجود، آنها می توانند ای موثرهای ایجاد کنند که از منافع طبقه حاکمه، ثالثاً به همین سان صریحاً مجزا ساختن ملل استمکش، وابسته و نا متساوی الحقوق از ملل استمگر، استثمارگر، کامل الحقوق برخلاف اکاذیب بورژوا دموکراتیک که به وسیله آن اسارت مستعمراتی و مالی اکثریت عظیم اهالی زمین بوسیله اقلیت ناچیزی از کشورهای سرمایه داری پیشو

می تواند خط رهائی راستین ملل تحت ستم را هرچه روشنتر بیان داشته و مانع آن شوند که با شدت یابی "ملی گرائی" و جنگهای خانمان سوز یک دیگرتبديل به

کشت و کشتار توده های کارگر و رحمت کش منجر نشده و بر عکس برای اولین بار به تمام کارگران جهان و انسانهای آزادی خواه نشان دهد که راه حل راستین پایان دادن به از خود بیگانگیهای موجود در

دست طبقه کارگر و احزاب کمونیست راستین کشورهای مختلف می باشد. اگر به تاریخ جمععبدیهای کمونیستی توجه کنیم رهنمود ارزشمند لینین در مورد مسالمه

ملی و مستعمراتی برای دومین کنگره انترناسیونال کمونیستی آموزنده است:

۱- خاصیت جلی دموکراسی بورژوازی بنابر طبیعتی که دارد، این است که موضوع برابری بطور اعم و از آنجله برابری ملی را

به شیوه ای انتزاعی یا صوری مطرح نماید، دموکراسی بورژوازی تحت عنوان برابری شخصیت انسانی بطور اعم برابری صوری یا قضایی مالک و پرولتر، استثمارگر و

استثمارشونده را اعلام می نماید و بدینسان طبقات ستمکش را به فاحش ترین نحوی می

فریبد. اندیشه برابری، که خود انعکاسی از مناسبات تولیدکالائی است توسط بورژوازی به بهانه ای برابری به اصطلاح مطلق افراد انسانی، به آلت مبارزه علیه محوطه های تبدیل می گردد. مفهوم واقعی خواست برابری فقط عبارتست از خواست محوطه های.

۲- حزب کمونیست که مظہر آگاه مبارزه ای پرولتاریا در راه برافکنند یوغ بورژوازیست، بر وفق وظیفه ای اساسی خود برای مبارزه علیه دموکراسی بورژوازی و افسای اکاذیب و سالوسی آن باید در مورد مسالمه ملی نیز آنچه را که در راس مسائل قرار می دهد اصول انتزاعی و صوری نبوده بلکه عبارت باشد از: اولاً در نظر گرفتن دقیق اوضاع و احوال مشخص تاریخی و مقدم بر هر چیز اوضاع و احوال اقتصادی؛ ثانیاً جدا کردن صریح منافع طبقات ستمکش یعنی زحمت کشان و استثمار شوندگان از مفهوم کلی منافع ملت بطور اعم که عبارتست از منافع طبقه حاکمه؛ ثالثاً به همین سان صریحاً مجزا ساختن ملل استمکش، وابسته و نا متساوی الحقوق از ملل استمگر، استثمارگر، کامل الحقوق برخلاف اکاذیب بورژوا دموکراتیک که به وسیله آن اسارت مستعمراتی و مالی اکثریت عظیم اهالی زمین بوسیله اقلیت ناچیزی از کشورهای سرمایه داری پیشو

سیلوها را خنثی کنند. پیش از این گزارشات رسانه ای اعلام کردند که صنعت دفاع روسیه با یک موشک الکترو مغناطیسی جدیدی به مام البوگا که از یک منبع قدرتمند با فرکانس فوق العاده بالا برای غیر فعال کردن تمام تجهیزات الکترونیکی دشمن در شعاع ۳ و نیم کیلومتری استفاده می کنند، بطوریکه آنها را به یک «گروهی از فلز اوراق» بدل می سازند. یک پرتو هدایت شده از امواج فرکانس خاص دارای اثر پتک سنگین بر روی تجهیزات الکترونیکی است که کامپیوترها و سیستم های هدایت کننده هوانوردی (یعنی بطور فیزیکی بورد مادر آنها را) از بین می برد.

روسیه قصد دارد چنین سلاح هایی را در هوایپماهای بدون سرنشین، پهپاد ها قرار دهد، به خاطر اینکه فرکانس قدرتمند فوق العاده بالا می تواند خلبان را بشکند.

سلاح های رادیویی الکترونیکی می توانند مکانیسم بارگیری تانک ها را بشکند، توپهای توپخانه را در داخل تونل منفجر سازند و سربازان دشمن را که در داخل یک پناهگاه پنهان شده اند یا تا ۱۰۰ متر زیر زمین به خود پوشش دانند، نابود کنند.

طراحی خارجی ها

ایالات متحده، اسرائیل و چین به همان اندازه مشغول توسعه انواع خاصی از سلاح های الکترومغناطیسی هستند. در طول عملیات طوفان صحراء در عراق، در سال ۱۹۹۱ آمریکائی ها از بمب الکترونیکی نسبتاً ابتدائی استفاده کردند یعنی کلاهک های موشک کروز تاماهاک خود را با فیربر کریں نصب کردند.

در نتیجه موشکها خطوط الکتریکی نیروگاه های برق عراق و خطوط برق را از کار انداختند و به شدت زیر ساختهای حیاتی کشور و دفاع هوایی را صدمه زدند.

پنتاگون طی حمله ناتو در سال ۱۹۹۹ علیه یوگسلاوی از سلاح های الکترومغناطیسی پیشرفتی استفاده کرد. تنها در طی دو هفته اول، نیروی هوایی ایالات متحده بیش از ۴۰۰ بمب فوق العاده سنگین جی دی ای ام بسته بندی شده با الیاف گرافیتی و فلزی با ذراحتش که کل سیستم کنترل غیرفعال دفاع هوایی کشور را از بین برد.

از آنجایی که سلاح های الکترومغناطیسی قادر به عقب برگرداندن یک ملت تا قرن ها هستند، کشورها در حال حاضر ایزار جدیدی برای دفاع از خودشان برای مقابله با این سلاح های ترسناک را توسعه می دهند.



در جنبش جهانی کمونیستی

اقلیمی را که به اتفاق آرا از سوی کمیته های ملل به امضا رسیده است، از جمله پروتکل کیوتو، اجرا نکرده، متحداً ایستاده اند. زمان آن رسیده است که نیروهای متفرقی جهان با ابتکار برای اتخاذ تصمیمات جدی تر پُر معنا جهت حل و فصل خطرات ناشی از تغییرات آب و هوایی که به طور مستقیم از الگوی توسعه ناشی می شود که امروزه با انگیزه سودمندی کورپراسیون ها هدایت می شود.

با این وجود، مهم است که توجه داشته

های جهان بمثابه نیروی تعیین کننده در مبارزه جهت تلاش های بیشتر دولت ها برای غلبه بر فاجعه زیست محیطی که با آن روبرو هستیم.

بنابراین، عقب نشینی تحریک آمیز ایالات متحده از پیمان پاریس، تجاوزی عربیان علیه خواسته های مردمان کشورهای جهان است! تقریباً تمام کشورهایی که این توافقنامه را امضا کرده اند، در برایر این تصمیم کاملاً جنایی توسط رئیس جمهور سرکش دولتی که تا به امروز هیچیک از موافقت نامه های

ترامپ از پیمان آب و هوای (محیط زیست) پاریس بیرون می آید
قطعه ICOR،

۲۰ سپتامبر ۲۰۱۷

اعلام خروج ایالات متحده از بزرگترین آلاینده های کریم جهان، از موافقنامه آب و هوای (محیط زیست) پاریس توسط ترامپ یک بار دیگر سیاست تهاجمی امپریالیسم آمریکا را نشان میدهد. این توافق نامه در سایه نیاز فوری به یک راه حل اساسی و لازم روزانه، پوششی است بر مبارزه توده

تشنج آفرینی جدید و موضع کمونیستها

از مقولات فوق توضیحات تاریخی فراوانی لازم دارد، به سنگین شدن این تحلیلها می افزاید. قطبه آخرین مطلبی نظیر "رفراندوم" اشاره خواهد شد که این روزها به عنوان یک حرکت مورد دفاع از جانب سیاری پذیرفته شده است. بدون این که در نظر گرفته شود بدون آگاهی رای دهنده گان از نتایج این رای دهی و چرائی آن، به طور مکانیکی و در نا

آگاهی رای ها به صندوقها ریخته می شوند و صرف نظر از تقلبات در شمارش و یا رای ریزیهای تقلبی و غیره هنر "دموکراتیک"

ی نفوذ اشاره طبقات معینی در هرجامعه ای در خدمت آنانی قرار گرفته اند که در سطح حکمرانی قرار داشتند و یا بخشی از افراد جامعه خود را به سطح حکمرانی رسانده اند. صدای بخش غیر حکمران، به متابه "درنظام طبیعت ضعیف پامل است"، هیچگاه به معنای واقعی کلمه پژواک و تحقق نیافرته است. درک ماهیت طبقاتی این مقولات اولین وظیفه ای هر انسان آزادی خواه است که در موضع طبقه کارگر قرار دارد.

باتوجه به این که بررسی و درک هر کدام

در تاریخ تکامل جوامع طبقاتی و کلا تعدد به درک و پذیرش تحلیلهای علمی ماتریالیسم تاریخی، در مراحل مختلف این حرکت به نسبت منافع طبقات محکوم در برابر طبقات حاکم مقولاتی نظیر عدالت، حق، استقلال، خودختاری، جدائی ملل، انتخابات، رفراندوم، دموکراسی و غیره پیش کشیده شده اند. ولی ماحصل دفاع از این مقولات همانند در هم آمیزی روغن و آب دریک ظرف به طور کامل، ممکن نیست. هر کدام از این خواسته ها به نسبت درجه

سلاح های الکترومغناطیسی روسیه می تواند "کارآمد تر از سلاح های هسته ای" باشد

از بین بردن تمامی تجهیزات الکترونیکی از مایل ها فاصله می باشد و حتی تغییر مسیر جنگ رانیز می دهد، استفاده می کند.

توسط کساندرا خرونکو، خبرگزاری اسپوتنیک، ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۷

منطقه: روسیه و کشورهای مجاور
موضوع: آگاهی و جاسوسی، نظامی کردن و تسليحات کشتار جمعی

گاکارین را به خارج از جو با موفقیت برد و کشف سیستم کامپیوتری (مايكرو پروسسور) باشد. این ها واقعیت هایی هستند که هرگز نمی شود نادیده گرفت و آنها را تبلیغ نکرد.

روسیه در حال توسعه سلاح های رادیو الکترونیکی است که از یک نیروی با فرانس بسیار فوقانی قدرتمند که قادر به

قبل از ارائه این مقاله به خوانندگان عزیزمان باید خاطرنشان سازیم که پیشرفت های متعددی که روسیه کنونی در زمینه علم، تکنولوژی، صنعت و کشاورزی کسب کرده، تا جاییکه حتی در زمینه نظامی از کشورهای ناتو نیز پیشی گرفته باید مدیون ۳۶ سال حاکمیت حزب کمونیست در اتحاد جماهیر شوروی که اولین انسان، یوری

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar

P.O.Box 5910

Washington DC

20016

U.S.A

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.org@gmail.com

آدرس غرفه حزب در اینترنت:

www.ranjbaran.org